

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

سه شنبه - ۱۷ شهریور ۱۳۹۴

قمری : الثلاثاء - ۲۴ ذوالقعدة ۱۴۳۶

Tuesday - 2015 08 September : میلادی

هدیه میکنم به مولایم سیداحمدالحسن (ع) و پدر بزگوارشان حضرت حجت (عج)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَيْمَّةِ وَالْمَهْدِيِّينَ وَسَلِّمْ
تَسْلِيمًا كَثِيرًا



در این کتاب به شبهاتی که نصرت الله آیتی در مورد دعوت مبارک وارد کرده و شبهات را در کتابی نوشته و آن را در فضاهای مجازی منتشر کرده و تلاش میکند که در مقابل دعوت مبارک یمانان آل محمد بدون دلیل جبهه بگیرد میپردازیم

متن، متن کتاب را مورد نقد و بررسی قرار میدهیم تا شاید هدایت گردد

احمد بن اسماعیل معروف به احمد حسن، یکی از مدعیانی است که در سال‌های اخیر به ادعای این‌که امام مفترض الطاعه، مهدی، قائم، وصی امام مهدی، نوه آن حضرت و یمنی است، برای خود شهرتی به هم زده و در گوشه و کنار عده‌ای را فریفته و با خود همراه کرده است. وی و طرف‌دارانش برای اثبات ادعاهای خود به برخی از روایات تمسک جسته‌اند. در این نوشتار، تلاش شده است به اختصار برخی از مستندات وی به نقد کشیده شود و خبط و خطاهای نهفته در آن گویید شود. تقطیع روایات، تحریف نظر دانشمندان شیعه، ناتوانی در فهم معنای روایات، استناد به نقل‌های شاذ، استناد به نسخه‌بدل‌ها، برداشت سطحی از روایات، استناد به روایات اهل سنت، حذف روایات مخالف، تعارض درونی و بیرونی برخی از نقدهایی هستند که می‌توان برای مستندات آن‌ها برشمرد.

ایشون در مقدمه ی کتابشون میگویند وی و طرفدارانش برای اثبات خود به برخی از روایات تمسک جسته اند در این خصوص اعلام میکنم که سید احمدالحسن (ع) برخی از روایات را برای اثبات حقانیت خود ارائه نداده، بلکه ایشان با قانون معرفت حجت الهی خود را اثبات میکند که این قانون کل قران و روایات را داخل میکند علاوه بر آن، تمام حجت های خداوند با این قانون شناخته شده اند پس این کلام شما باطل است و حالا به صورت مختصر و مفید قوانین و دلایلی که وصی و رسول امام مهدی سید احمدالحسن (ع) آورده اند را بیان میکنم خوب توجه فرماید و خود حقیقت را پیدا کنید

طبق کلام خاتم انبیا محمد مصطفی (ص) که فرموده است انی تارکم فیکم ثقلین کتاب الله و عترتی اول از قران که لاریب فیه است شروع میکنم در قران سوره مبارکه بقره آیه 30 خداوند میفرماید:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ¹

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید در اینجا خداوند به ملاکه نص میدهد و آدم را معرفی میکند

و در آیه ی بعدی

وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ²

و در این آیه هم به وضوح روشن میکند که به خلیفه ای که نص داده شد علم هم داده شده است

¹ بقره آیه 30

² بقره آیه 31

و در ایه بعدی

وَأَذِقْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ³

و در این ایه هم خداوند تصریح میکند که از خلیفه ای که هم نص شده و هم دارای علم است از ش تبعیت کنید این سه تا قانونی است که خداوند به وضوح بیان کرده است حالا وارد ثقل دوم میشویم خوب دقت کنید

در حدیثی از امام باقر (ع) که فرمود: هر چیزی برای شما ایجاد اشکال یا شبهه کند وصیت و پرچم و سلاح پیامبر خدا (ص) جای هیچ گونه شبهه و اشکال برایتان باقی نمی گذارد ... بر حذر باشید از کسانی که خود را به دروغ به آل محمد نسبت می دهند. که همانا برای آل محمد و علی (ع) پرچمی (یک پرچم) است و برای دیگران پرچم ها. پس در جای خودت ثابت باش و از هیچ کس ابداً تبعیت نکن تا مردی را از فرزندان حسین (ع) ببینی که با او وصیت رسول خدا (ص) و پرچم او و سلاح او باشد.⁴

روایت بعدی

از امام باقر ع در حدیثی طولانی آمده است: ..سپس مردی از صلب پدرش قیام می کند، و او شدیدترین مردم نسبت به بدن او و شجاعترین آنها به قلب اوست از وقتی که صاحب این امر غیبت نموده، پس به او می گویند (با دین خدا) چه می کنی که به خدا سوگند همانا تو مردم را می پراکنی چنانکه گوسفندان رمیده می شوند، آیا پس وصیتی از رسول خدا ص در نزد توست یا چیز دیگر؟ پس مولایی که عهده دار بیعت است می گوید: به خدا سوگند یا ساکت می شوی یا میان دو چشمت را خواهم کوبید. پس قائم ع می فرماید ای فلانی خاموش! بله به خدا سوگند همراه من وصیت پیامبر ص است. پس آن صندوقچه را بده، پس بسوی او می آید و وصیت رسول خدا ص را برای او می خواند، پس می گوید فدایت شوم، اجازه فرمایید سر شما را ببوسم، پس بین دوچشمان او را می بوسد، سپس می گوید فدایت شوم بیعه خود را برای ما تجدید فرما، پس برای آنها بیعت خود را تجدید می فرماید⁵

خوب دقت کنید و حالا در روایت بعدی:

- امام صادق ع در حدیثی فرمود: ...پس با او بین رکن و مقام بیعت می کنند و همراه او وصیت رسول خدا ص است که فرزند بعد از فرزند به ارث نهاده است.⁶

روایت بعدی:

³ بقره ایه 34

⁴ تفسیر العیاشی، ج 1، ص 64. بحار الأنوار، ج 52، ص 222 إلزام الناصب، ج 2، ص 96

⁵ العیاشی ج 2 ص 56. بحار الأنوار ج 52، ص 341. بشارة الاسلام ص 227. هامش المصدر ج 2 ص 59 ...

⁶ غیبة النعمانی ص 282. بحار الأنوار ج 52 ص 237-239

حرث بن المغیره گفت: به امام صادق (ع) عرض کردم صاحب این امر با چه چیزی شناخته می شود؟ فرمودند: با آرامش و وقار و **علم و وصیت**^۷.

و روایت بعدی:

امام صادق (ع) فرمود: صاحب این امر با سه خصوصیت شناخته می شود که در هیچ کس جز او نیست. او نزدیک ترین مردم به کسی که قبل از او است می باشد و او **وصیش** است. با او **سلاح رسول الله (ص)** است. با او **وصیت رسول الله (ص)** می باشد^۸.

روایت بعدی:

از عبد الاعلی که گفت به امام صادق ع عرض کردم حجت ما در مدعیان دروغین برای صاحب این امر چیست؟ فرمود: سه نشانه است که در هیچ مردی جز او جمع نمی شود، آنکه او نزدیک ترین مردم به کسی که قبل از او است می باشد، در نزد او **سلاح رسول خدا ص** است، و او صاحب **وصیت** است که (در کتابها) آشکار است.^۹

روایت بعدی:

امام علی ابن الحسین (ع) فرمودند: امامی از ما نخواهد بود مگر معصوم باشد و عصمت در ظاهر خلقت نیست که با آن شناخته شود و آن نخواهد بود مگر به او **وصیت شده** - پس به او گفتند ای فرزند رسول خدا معنی معصوم چیست؟ فرمودند: اوست معتصم به حبل یا ریسمان خداوند و ریسمان خداوند همان قران است که جدا نمیشوند تا روز قیامت و امام به سوی قران هدایت می کند و قران به سوی امام هدایت می کند و ان گفتار خداوند تعالی: **{إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ}**^{۱۰}

روایت بعدی:

امام رضا (ع) فرمود: امام باقر (ع) می فرمود: همانا مثل سلاح در ما مانند تابوت است در بنی اسرائیل. یعنی هر کسی تابوت نزدش بود نبوت برای او بود و به همین صورت هر کدام از ما که نزدش **سلاح** باشد صاحب امر است. از ایشان سؤال شد: آیا **سلاح** از **علم** جدا است؟ امام رضا (ع) فرمود: خیر.^{۱۱}

تا اینجا مشاهده میکنید که اهل بیت قانون معرفت حجت را بیان میکنند و حالا روایت بعدی:

⁷ بصائر الدرجات ص 509.

⁸ بصائر الدرجات ص 202. الکافی ج 1 ص 379.

⁹ الخصال: 1 / 117 ح 99، بحار الانوار: ج 25 / 138 ح 8، الکافی: ج 1 / 284 ح 2

¹⁰ معانی الاخبار ص 132. بحار الانوار ج 25، ص 194

¹¹ کافی ج 1 ص 238

امام صادق (ع) فرمود: همانا مثل سلاح در ما مانند تابوت است در بنی اسرائیل. یعنی هر کس صاحب تابوت بود صاحب ملک بود. پس هر کس از ما **سلاح** نزدش باشد **عـلـم** نزدش است^{۱۲}

و در ادامه ی کلام آقای آیتی هیچ دلیلی بر کلامش ندارد بلکه دعوت مبارک توسط دلایلی که قطعی و یقینی است ثابت ممیشود و آن دلایل قانون معرفت حجت است و الله نمیدانم منظور آیتی از لفظ شاذ چیست؟ حالا شما بیان کردید در اینجا حقیر یک سوالی را مطرح میکنم شما که ادعا دارید ایمانی و طرفدارانش بر برخی از روایات تمسک کرده اند شما برای اثبات مرجعیت و تقلید بر چه چیزی تمسک کرده اید؟؟

آیا نواب عام را میتوانید از ثقلین به صورت صریح ثابت کنید؟؟ یا به روایت های شاذ و نادر رجوع میکنید؟؟

در ادامه:

یحی از این طرفنها پایه‌گذاری جریان‌های انحرافی است نه به ادعای مهدویت یا ارتباط با امام مهدی عج و امثال آن مؤمنان ساده‌دل را اسیر هوس‌های زودگذر خود می‌کنند و از جهل، مرکبی برای سوار شدن بر گرده آنان می‌سازند. **آنان در پوستین گوسفند، گرگ‌گونه ایمان خلیق را می‌درزند و به نابودی می‌کشانند و تبعات آن تنها دامن‌گیر گرفتار شدگان در دام این شیادان رهزن نمی‌شود، بلکه چه بسا اصل اندیشه مهدویت را از نظرها می‌اندازد و در دل‌ها سست جلوه می‌دهد و این هدف غایی جبهه شیطان است که ایمان یک نفر و هزار نفر را نشانه نرفته، بلکه اصل ایمان را هدف قرار داده است.**

در درجه ی اول میگوییم که درست است مدعیان دروغین مهدویت در طول تاریخ آمده اند و ادعا کرده اند اما آیا تا کنون فردی غیر از سید احمدالحسن (ع) با قانون معرفت حجت آمده و خود را بر همگان ثابت کرده باشد؟

درثانی آن تمثیلی که به کار میبرید را ما در روایت آل محمد در بیان و اشخاص دیگری داریم

خوب به روایت توجه کنید:

پیامبر(ص) فرمودند: خداوند به بعضی از پیامبران خود وحی نمود، به کسانی که برای غیر دین تفقه و برای عمل کردن فرا نگرفته و دنیا را برای غیر از آخرت طلب و برای مردم **پوست قوچ ها** را می پوشند و در حالی که قلب هایشان همانند **قلب گرگ** هاست. زبان آنها از عسل شیرین تر و اعمال آنها تلخ تر از صبر است. با نام من

کافی ج 1 ص 238¹²

مردم را گول زده و به واسطه نام من مردم را به تمسخر می گیرند. بگو که فتنه ای را برای آنها خواهم فرستاد که حکیم را حیران و مبهوت می کند.^{۱۳}

روایت دیگری

رسول الله ص فرمود: ای پسر مسعود زمانی بر مردم بیاید که صبر کننده بر دینش مانند کسی است که آتش در دست خود بگیرد. ای پسر مسعود اگر کسی در این زمان **گرگ** بود که هیچ و گرنه او را **گرگ صفتان** می خورند ای پسر مسعود علما و فقیهان آنها خائن و فاجر هستند. آگاه باشید که اینان شرورترین خلق خدایند و همچنین پیروان ایشان و کسانی که پیش آنان می روند و از آنان می گیرند و آنها را دوست دارند و با آنان همنشینی می کنند و با آنها مشورت می کنند شرورترین مخلوقات خدا هستند. ایشان را در آتش جهنم وارد می کند کرد لالند کورند بنابراین به راه نمی آیند^{۱۴}

و

زمانی که مردم نماز را بمیرانند و امانت را ضایع کنند و دروغ گفتن را حلال شمارند و ربا بخورند و رشوه بگیرند و ساختمانها را محکم بسازند و دین را به دنیا بفروشند و موقعی که سفیهان را به کار گماشتند و با زنان مشورت کردند و پیوند خودشان را پاره نمودند و هواپرستی پیشه ساختند و خون یکدیگر را بی ارزش دانستند، حلم و بردباری در میان آنها نشانه ضعف و ناتوانی باشد و ظلم و ستم باعث فخر گردد، امراء فاجر، وزراء ظالم و سرکردگان دانا و خائن و قاریان (قرآن) فاسق باشند. شهادت باطل آشکار باشد و اعمال زشت و گفتار بهتان آمیز و گناه و طغیان و تجاوز علنی گردد قرآنها زینت شود و مسجدها نقاشی و رنگ آمیزی و مناره ها بلند گردد و اشرار مورد عنایت قرار گیرند و صف ها در هم بسته شود خواهشها مختلف باشد و پیمانها نقض گردد و وعده ای که داده شد نزدیک شود. زنها به واسطه میل شایانی که به امور دنیا دارند در امر تجارت با شوهران خود شرکت جویند. صداهای فاسقان بلند گردد و از آنها شنیده شود بزرگ قوم، رذل ترین آنهاست، از شخص فاجر به ملاحظه شرش تقیه شود، دروغگو تصدیق و خائن امین گردد، زنان نوازنده، آلات طرب و موسیقی به دست گرفته نوازندگی کنند و مردم پیشینان خود را لعنت نمایند زنها بر زین ها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیدا کنند. شاهد (در محکمه) بدون اینکه از وی درخواست شود شهادت می دهد و دیگری به خاطر دوست خود بر خلاف حق گواهی می دهد احکام دین را برای غیر دین بیاموزند و کار دنیا را بر آخرت مقدم دارند. **پوست میش** را بر دلهای **گرگ** ها بیوشند، در حالی که دلهای آنها از مردار متعفن تر و از صبر تلخ

¹³ بحار النوار: ج 1 ص 224، عده الداعی: ص 70

¹⁴ مکارم الأخلاق الطبرسی ص 449. بحار الأنوار ج 74 ص 101. ألزام الناصب ج 2 ص 131

تر است . در آن موقع شتاب و تعجیل کنید. بهترین جاها در آن روز بیت المقدس است روزی خواهد آمد که هرکسی آرزو کند که از ساکنان آنجا باشد¹⁵

احمد حسن عیسی

از جمله این جریان های انحرافی که در سال های اخیر در کشور عراق شکل گرفته و در گوشه و کنار در حال ترویج باورهای خرافی است، جریان احمد حسن است. مؤسس این جریان، شخصی به نام احمد بن اسماعیل از قبیله صیامر است که در سال ۱۹۷۳ میلادی در منطقه ای به نام هویر از توابع شهرستان زیبار از استان بصره متولد شد و در سال ۱۹۹۹ از دانشکده مهندسی نجف فارغ التحصیل شد و مدتی در حوزه شهید سید محمد صدر تلمذ نمود. وی مدعی است ابتدا در خواب و سپس در بیداری با امام مهدی عجله الله تعالی فرجه ملاقات کرده و آن حضرت او را مأمور به هدایت انسان ها کرده است.

سید احمد الحسن (ع) با احتجاج به وصیت رسول خدا (ص) و علم و پرچم البیعه لله اثبات میشود که وصی امام مهدی ع و مهدی اول میباشند

و این مطالبی که شما گفتید کذب است و در سیره دعوت در بین خودتان اختلاف است اما آنچه که صحیح و با دلیل است را خدمتان عرض میکنم

ایشان اهل منطقه مدینه در پنجاه کیلومتری شهر بصره در جنوب عراق هستند سید احمد فرزند سید اسماعیل فرزند سید صالح فرزند سید حسین فرزند سید سلمان هست سلمان مجهول النسب بود تا زمانی که سید احمد الحسن (ع) این راز را از سمت امام مهدی (ع) آشکار کرد اما فرزندان سلمان که قبیله کوچکی رو تشکیل میدادند با قبیله بزرگی به نام صیامر «عهد جرش» بستند تا زیر مجموعه آنها باشند

سید محسن عموی سید احمد الحسن (ع) بزرگ این قبیله کوچک بعد از افشای این راز توسط یمانی ال محمد (ع) اسم قبیله کوچک را آل المهدی نامیدند

سید احمد الحسن (ع) از سالها قبل از ورودشان به نجف با امام مهدی (ع) ارتباط داشتند و خود امام به تربیت ایشان پرداختند

اولین ماموریت ایشان اصلاح حوزه علمیه نجف بود

سید احمد الحسن فارغ التحصیل رشته مهندسی شهر سازی در دانشگاه بصره هستند و وقتی وارد حوزه نجف شدند مشغول به تدریس معارف شدند بدون اینکه کلامی دروس حوزه رو مطالعه کرده باشند

در خطبه ملاقات اولین رویا و اولین ملاقاتشونو بیان میکنند

15. کفایة الموحدين (426/3، بحار الانوار) 193/52 .

ایشان سال ۲۰۰۰ وارد نجف شدند و تقریباً بعد سه سال در زمان صدام ملعون دعوتشونو علنی کردند در جکادی
الاول سال ۱۴۲۳

۱. خود را فرزند یا واسطه امام مهدی عج می داند و با این سلسله نسب خود را به آن
حضرت منتسب می کند: احمد بن اسماعیل بن صالح بن حسین بن سلمان بن امام مهدی.
۲. خود را امام سیزدهم معرفی می کند.
۳. خود را مهدی و قائم می داند. او معتقد است پس از امام مهدی، دوازده مهدی که
همگی قائم نیز هستند از فرزندان آن حضرت به ترتیب جانشین او خواهند شد و او اول
لمهدیین است.
۴. خود را وصی و جانشین امام مهدی می داند که به زودی و پس از حیات آن حضرت
جانشین ایشان خواهد شد.
۵. خود را یمانی می نامد.
۶. خود را فرستاده امام مهدی برای هدایت انسان ها می داند که همه باید به او ایمان آورند

در این بخش آقای آیتی با یک مجموع القاب و الفاظ روبرو میگردد و چون سواد علمی ندارد در این القاب گیر
کرده و راهی غیر از راه صحیح را پیش میگیرد

نکته اول: درست است سید احمد الحسن (ع) فرزند با واسطه ی حضرت حجت (عج) میباشد و نسب ایشان بدین
شکل است سید احمد فرزند سید اسماعیل فرزند سید صالح فرزند سید حسین فرزند سید سلمان فرزند حضرت
حجت (عج)

نکته دوم: امام سیزدهم: لفظ امام یک لفظ کلی است و آقایون معاندین دعوت مبارک از الفاظ کلی استفاده
میکنند تا مخاطب را از بحث اصلی منحرف کنند و امام سید احمد الحسن (ع) مقام عصمت و امامت دارند چرا
که با با نص و وصیت آمده اند و خود را با قانون معرفت حجت ثابت کرده است و هر کسی هم که با قانون
معرفت حجت ثابت کند و نصی از پیامبر (ص) داشته باشد او معصوم است و در درجه های عصمت هم فرقی است
که به تحقیق درجه ی عصمت سید احمد الحسن (ع) از پدرشان امام مهدی (ع) پایین تر است در نتیجه امام بودن
ایشان هم درجه ای کم تر از پدرشان دارند

نکته سوم: خود را مهدی وقائم میدانند شما هیچ سواد علمی ندارید چرا که این دو صفت است و ادعای سید
احمد الحسن (ع) بر مهدی و قائم ادعای جداگانه نیست

نکته چهارم: اگر خود را وصی امام حجت (ع) میدانند باید قطعاً دلیلی بر وصایت خود داشته باشد و دلایل وصی
چیست؟ جز با آوردن وصیت و نصی از امام قبلی یا پیامبر قبلی؟ وصی شناخته میشود با وصیت که ان شاء الله
جلوتر کمی توضیح خواهیم داد

نکته پنجم: ایمانی آل محمد (ع) یک صفت است نه منسب جدا و اتحاد بین مهدی و قائم و ایمانی بر شخصیتی به نام احمد در وصیت اطلاق داده میشود و برای اطلاع بیشتر به کتاب برادرم «وحدت شخصیت مهدی اول و قائم با ایمانی» نوشته ی شیخ علاء سالم مراجع کنید

نکته ششم: ایشان رسول امام مهدی به تمامی ادیان ها هستند و ایشان نمیگویند باید به من ایمان بیاورید بلکه با دلیل از تقلین ثابت میکند که مردم در این زمان باید چه کاری انجام بدهند بلکه امام صادق(ع) و آل محمد(ص) این امر را روشن کرده اند

در ثانی تقلید از مراجع در چه زمانی درست بود که الان قطع شود؟

و ادامه:

وی دعاوی خود را از حدود ۱۲ سال پیش آغاز کرد و توانست در کشور عراق، برخی از شیعیان ساده‌دل را بفریبد. وی پس از انجام اقدامات نظامی‌ای که طرف‌داران او در عراق انجام دادند و در نتیجه اقدام پلیس بغداد برای دستگیری‌اش از عراق گریخت و پس از آن تنها از طریق اینترنت با طرف‌داران خود در ارتباط است. طرف‌داران وی معتقدند او هم‌اکنون غایب شده است.

مطلبی که میگویند انصار اقدامات نظامی برپا کرده اند را باید اثبات کنید چون این مطلب کاملا کذب و دروغ است نه اینکه فقط بیاید یک تهمتی را بزنید و برید و بر تو واجب است که این حرفت را ثابت کنید

در ثانی سید احمدالحسن (ع) هنوز در عراق هستند ولی آنقدر عاجز هستید که نمیتوانید حتی عکس او را داشته باشید تا دستگیرش کنید در ضمن با انصار خود فقط با اینترنت در ارتباط نیست بلکه عده ای از انصار هستند که به صورت حضوری پیش سید احمد الحسن (ع) میروند و همنشین ایشان میشوند و علاوه بر آن که سیداحمدالحسن (ع) الان در غیبت نیستند بلکه ایشان با باز کردن صفحه ی مبارکه در فیسبوک و همچنین آمدن به صورت آنلاین در پالتاک خود را آشکار کرده

در ثانی برخی از شیعیان به این دعوت ایمان نیاورده اند بلکه بیشتر در همه ی جای جهان دعوت ایشان رسیده و خیلی ها به این دعوت مبارک ایمان آورده اند چرا که دلایل قانون معرفت حجت به همراه دارد

و در ادامه :

برای نقد احمد حسن، از دو مسیر می توان حرکت کرد:
 مسیر نخست این است که صرف نظر از ادعای احمد حسن و مستندات او، ابتدا به این پرسش پاسخ داده شود که بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام پس از حکومت امام مهدی علیه السلام چه رخ خواهد داد؟ آیا دوران رجعت آغاز خواهد شد و امامان معصوم علیهم السلام به دنیا بازگشته و حکومت امام مهدی علیه السلام با سرپرستی آنان استمرار خواهد یافت؟ یا این که فرزندان امام مهدی علیه السلام جانشین آن حضرت خواهند شد؟ و یا این که احتمالات دیگری وجود دارد؟

در سؤالاتی که بیان کردید همه یک نوع پاسخ دارند پس با دقت گوش کنید
 رجعت یکی از عوالم قوس نزول است:

بسم الله الرحمن الرحيم

رجعت یکی از عوالم قوس نزول است: از سید احمد الحسن (ع) در مورد ظلمات سه گانه در فرموده خداوند پرسیده شد (خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقَكُمْ فِي بَطُونٍ أُمَّهَاتِكُمْ خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظَلَمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَى تُصْرَفُونَ)، (شما را از نفسی واحد آفرید سپس جفتش را از آن قرار داد و برای شما از دامها هشت قسم پدید آورد شما را در شکمهای مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در تاریکی های سه گانه خلق کرد این است خدا پروردگار شما (فرمانروایی از آن اوست خدایی جز او نیست پس چگونه [او کجا از حق] برگردانیده می شوید)¹⁶.

پس در پاسخ خویش، قوس صعود و نزول در حرکت انسان از مبدأ تا مقصد او را آشکار کردند. فرمودند: (آن: ظلمتِ ذر، ظلمتِ دنیا و ظلمتِ رجعت می باشند، و آن ها عوالم قوس نزول هستند. و عوالم قوس صعود انوار سه گانه می باشند: و آن ها: (قبل از فناء شدن و در فناء شدن و بازگشت بعد از فناء است). و آنها مراتب سه گانه محمد قبل از فتح حجاب، بعد از فتح حجاب و بازگشت بعد از حجاب هستند. پس او بین فناء در ذات الهی تا آنجائی که چیزی باقی نمی ماند جز خداوند یگانه قهار و بین بازگشت به منیت و شخصیت خویش بود

و این مراتب ششگانه در قوس صعود و نزول نشانگر کل وجود است، و تجلی نور در ظلمت و ظهور موجودات بواسطه نور در ظلمات است، و آن (واو نزول و واو صعود می باشد) که به شش روز و مراتب ششگانه اشاره دارد

واو نزول و واو صعود

و آن دایره موجود در رأس "واو" بر حیرت موجود در قوس صعود که آن حیرت در نور است دلالت می کند، آن هم به سبب عدم درک و معرفت نور تام که در آن هیچ ظلمت و تاریکی نیست، و او خداوند سبحان و تعالی

منبع: رجعت سومین روز از روزهای بزرگ خدا- سید احمد الحسن (ع)، ص 32-34¹⁶

معرفت تام و کامل است، پس مراتب قوس صعود عبارتند از: قبل از فتح، بعد از فتح و فناء، و سوم بازگشت به منیت و شخصیت بعد از فناء شدن. اما حیرت در ظلمت؛ زیرا که آن در پایین ترین نقطه مراتبش قابل درک نمی باشد و از آن چیزی حاصل نمی شود، بلکه آن ظلمت و عدم است و هیچ سهمی از وجود برای آن نیست مگر قابلیت آن برای وجود، و این حقیقت ماده است، ظلمت و عدمی که از آن هیچ چیز حاصل نمی شود، و از آن هیچ چیز شناخته نمی شود، اگر چه تجلی شکل ملکوتی در آن و ظاهر ساختن آن نبود، از آن هیچ چیز شناخته نمی شد. پس مراتب قوس نزول عبارتند از: عالم ذر، سپس فرود آمدن به ظلمت ماده، سپس صعود در قیامت قائم (ع) تا رسیدن به رجعت که مرتبه سوم می باشد؛ و این تصویر قوس نزول و صعود می باشد

رجعت

رجعت : عالم دیگر و روز دیگری از سه روز بزرگ خداست که در پیش روی قائم (علیه السلام) و قیامت می باشد و دارای نظام و قوانین مخصوص به خود است همانگونه که در مضمون روایات متعدد از آل محمد (علیهم السلام) ذکر شده است^{۱۷}

پس بعد از اینکه روز قائم و قیامت را ذکر کردند سید احمد الحسن (علیه السلام) فرمودند روز رجعت باقی مانده و اکیدا آن عالم دیگری است و الا آن ” روز ” یعنی وقت و آن مستقل در برابر زندگی جسمانی و قیامت ، اختصاص داده نم یشد ، پس آن از جمله آنها نیست

و نیز (علیه السلام) فرمودند : (رجعت ، نامش دال بر آن است خدا به تو توفیق دهد ، آن رجعت است به معنای بازگشت ، قومی که مردند باز می گردند ، امتحانی که به پایان رسید تکرار می شود ، روزهایی که گذشتند باز خواهند گشت و نیز (علیه السلام) فرمودند : (آن امتحان دیگری است و ترتیب بازگشت رجعت کنندگان در آن در دست خداوند سبحان است و نیز (علیه السلام) فرمودند : (رجعت عالمی دیگر است و با این عالم جسمانی متفاوت است ، و در نتیجه جزئیات آن نیز با این عالم متفاوت می باشد

اما رجعت در نظر علمای شیعه

(علمای شیعه در می یابند که رجعت یعنی : (بازگشت به زندگی دنیا بعد از مرگ)

شیخ مفید می گوید : (سخن درباب رجعت : و می گویم : خداوند تعالی قومی از مردگان را با چهره های ابتدائی شان که بر آن بودند به زندگی دنیا باز می گرداند پس گروهی از آنان را عزیز و گروه دیگر را ذلیل می گرداند و

(معانی الاخبار ص ۳۶۶)^{۱۷}

اهل حق را بر اهل باطل و مظلومان را بر ظالمان چیره می سازد ، و آن امر در هنگام قیام مهدی آل محمد (علیه السلام) تحقق می یابد¹⁸

و حر عاملی می گوید : (بدانید که رجعت در اینجا در زندگی بعد از مرگ و قبل از قیامت است ، و این مفهومی است که از ظاهر معنایش برداشت می شود و علما به آن تصریح کرده اند ...)¹⁹

پس واضح است که آنان رجعت را مقطع زمانی و تابع این عالم جسمانی که ما در آن هستیم می بینند ؛ و آنچه که بیشتر بر آن تاکید می کند ملاحظه استدلال مقام بر اثبات رجعت است ، و این بیان بعضی از آن میباشد اول : گفته آنها مبینی بر اینکه رجعت نوعی از معاد جسمانی است ، لذا آنان بر آن مانند دلیل بر وجود معاد در آخرت استدلال می کنند سید مرتضی در استدلال خود بر رجعت می گوید : (... در صحت رجعت اموات هیچ اختلافی نیست مگر اینکه خارج از گفته های اهل توحید باشد ، زیرا خداوند تبارک و تعالی بر ایجاد جوهر بعد از فنا و نیستی اش قادر است ، پس هنگامی که بر آن قادر است می تواند در هر زمان که بخواهد آن را ایجاد کند²⁰

دوم : استدلال آنها بر احیای برخی از اقوام یا افراد در امتهای گذشته به زندگی دنیا بعد از مرگشان ، و برای آن ، مثال زنده شدن عَزِیز (علیه السلام) بعد از مرگش یا احیای مردگان به دست حضرت عیسی (علیه السلام) یا زنده شدن اصحاب کهف یا قوم بنی اسرائیل و غیره را ذکر می کنند

شیخ مظفر میگوید: (اعتقاد به رجعت ، نه عقیده توحید را خدشه دار می کند و نه عقیده نبوت را ، بلکه بر صحت هر دو عقیده تاکید می کند . رجعت دلیلی بر قدرت بالغ خداوند تعالی می باشد همچون بر انگیختن و زنده کردن . و آن از جمله امور خارق العاده ای است که شایسته بودن معجزه برای پیامبرمان محمد و آل بیتش (علیهم السلام) است و آن عین معجزه زنده کردن مردگان توسط عیسی مسیح (علیه السلام) می باشد و (بلکه از آن بزرگ تر است زیرا که مردگان بعد از خاکستر شدن زنده میشوند²¹

شیخ طبرسی می گوید : (اخبار و روایات بسیاری از ائمه هدایت از آل محمد (علیهم السلام) وجود دارند که آشکار می کنند ، خداوند تبارک و تعالی در هنگام قیام قائم (علیه السلام) قومی از اولیاء و شیعیانش که قبل از قیام حضرتش (علیه السلام) وفات کرده اند را زنده خواهد کرد تا در ثواب نصرت و یاری اش مشارکت جسته و فیض ببرند و در پی ظهور و طلوع دولتش مسرور گردند ؛ و همچنین قومی از دشمنانش باز می گردند تا از آنان انتقام گیرد و عقوبت در دنیا از قتل و کشتار و ذلت و خواری از داد و ستد و فرمانروایی که منتشر می کند

¹⁸ (اوائل المقالات : ص ۷۸)

¹⁹ (الایقظ من ההجعه بالبرهان علی الرجعه : ۶۱)

²⁰ (رسائل الشریف المرتضی : ج ۳ ص ۱۳۵)

²¹ (عقائد الامامیه : ص ۱۰۹)

به دست شیعیان را دچار گرداند ، و هیچ عاقلی شک نمی کند که این برای خدای تعالی مقدور است و در نزد خدا چیز ناممکن وجود ندارد ، و آن را در امتهای پیشین عملی کرده و تحقق بخشیده و قرآن کریم در برخی مواضع همچون داستان عزیز (علیه السلام) و غیره این امر را ذکر می کند ، و پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله وسلم) نیز فرمود : (در امتم همان امری خواهد بود که در بنی اسرائیل بوده است پس پا در جای پای آنان و قدم در جای قدم آنان قرار خواهید داد حتی اگر یکی از آنان وارد سوراخی شد ، شما نیز وارد آن شوید)^{۲۲}.

در ادامه:

پرسش دوم که نیازمند پژوهش مستقل دیگری است، این است که اگر فرض را بر این بگیریم که پس از امام مهدی عج فرزندان آن حضرت جانشین ایشان خواهند آیا آنان پیش از ظهور امام مهدی عج نیز جایگاه و نقشی خواهند داشت یا این که نقش و جایگاهشان منحصرأ مربوط به پس از ظهور و رحلت یا شهادت امام عصر عج است؟ سومین پرسشی که باید به آن پاسخ داد این است که اساساً برای تشخیص مصادیق فرمایشات پیشوایان معصوم ع چه راهکارهایی وجود دارد؟ به تعبیر دیگر، برای تطبیق فرمایشات ائمه ع بر مصادیق خارجی، چه معیارهایی وجود دارد؟

این امر توسط قانون معرفت حجت ثابت میشود

در ادامه:

پیش از شروع نقد افکاروی تذکر دو نکته ضروری است: نخست این که مسئله امامت مهدویت یکی از اعتقادات بنیادین مکتب تشیع است و آن چه در این باره مطلوب است ایمان است و ایمان نمی تواند مبتنی بر گمان باشد؛ چرا که آدمی نمی تواند به چیزی که یقین ندارد ایمان داشته باشد از این رو چنین باور بنیادینی نمی تواند مبتنی بر ادله گمان آور باشد ما در این حوزه و سایر اعتقادات اساسی دیگر نیازمند ادله یقین آور هستیم.

درست است! در مسئله ی امامت و مهدویت باید دلیل قطعی و یقینی باشد و پس در این صورت تقلید جایز نیست چرا که این امر، امری اعتقادی است و بنابر گفته ی خودتان باید به حد یقین رسید و تقلید ما را به حد یقین نمیبرد و بلکه افاده ی ظن و گمان میکند ولی چرا به گفته های خودتان پایبند نیستید و انصار آل محمد

²² تفسیر مجمع البیان : ج ۷ ص ۳۶۶

را دستگیر میکنید و میگوید تا زمانی که مراجع هستند باید از آنها تقلید کنید؟ چرا این عقیده باطل را بین مردم رواج میدهد؟

و مطلب یقین آور و صد درصد همان قانون معرفت حجت است که سید احمدالحسن (ع) با آن بر همگان احتجاج کرده اند

ادامه:

برای نقد احمد حسن، نیاز به بررسی تک تک مستندات او نیست،
گرچه همه آنها قابل نقد هستند، بلکه همین که تعدادی از مستندات او
نقد شده و دلایل او از حد توان ساقط شود، ما کفایت می کند.

نقد و بررسی یک جریان و یا یک موضوع همراه با هدفی است اگر آقای آیتی حق گرا باشند توصیه میکنم برای رسیدن به حق اول باید دلایل این دعوت را مورد بررسی قرار دهد نه اینکه وارد شبهات گردد چرا که شبهات مثل باتلاقی است که هر چه در آن فرو روید شما را به پایین میکشد و هیچ گاه به هدف خود دست پیدا نخواهید کرد چرا که در همه ی دعوت های الهی شبهاتی وجود داشت ولی آنانی که پیروز شدند و تا آخر پابه پای خلیفه ی زمانشان حرکت کردند کسانی بودند که دلایل را دیدند و دلایل را مورد نقد و بررسی قرار دادند و ادله ی سیداحمدالحسن (ع) قانون معرفت حجت الهی میباشد و هر کسی که دنبال حق باشد باید این دلایلی که سید احمدالحسن (ع) با آن احتجاج کرده و-تمامی علمای نجف به همراه علمای قم را برای مناظره در خصوص وصیت دعوت کرده ولی تاکنون پاسخی دریافت نکرده-را مورد نقد و بررسی قرار دهد

ادامه:

تقطیع روایات به قصد فریب
از امیرمؤمنان علیه السلام در خبری طولانی که در آن اصحاب قائم علیه السلام را ذکر می کند آمده است
که اولین آنها از بصره و آخرین آنها از ابدال (تبدیل شدگان مانند حتر) است
(کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۳۳). و از امام صادق علیه السلام در روایتی طولانی که نام یاران قائم علیه السلام را
ذکر می کند آمده است: «و از بصره... احمد». (انصار امام مهدی، بی تا: ۳۴؛ به نقل از:
کاظمی، ۱۳۸۷: ۲۳۲؛ بحرانی، بی تا: ۷۲۴؛ حموی، ۱۳۹۹: ج ۲، ۶۳)

بارها این شبهه پاسخ داده شده ولی باز هم خود را بخواب زده اند و نمیخواهند حقیقت را ببینند و تنها هدفشان از نوشتن این شبهات این است که مردم را گمراه سازند در ضمن بیان کردم که باید دلایل دعوت را مورد نقد و بررسی قرار داد این موردی که ذکر کردید دلیل اصلی دعوت سیداحمدالحسن (ع) نمیباشد

تقطیع روایت را به صورت لغوی و اصطلاحی توضیح بدهید و برایمان روشن سازید به چه کاری تقطیع روایت گویند آیا بیان شاهد مثال، تقطیع روایت محسوب میگردد اگر اینطور باشد که شما در تقطیع روایت استاد هستید چرا که به طور مثال توقیع نائب دوم امام مهدی (ع) اسحاق بن یعقوب عمری را به صورت ناقص بیان میکنید و هیچگاه برای مردم کاملش را بیان نکردید چرا که به نفع شما نمیباشد و این تقطیع روایت محسوب میشود و از این تقطیع هایی که از جانب علماء شما صورت گرفته است زیاد است و به همین یک مثال بسنده میکنم

حالا پاسخ این شبهه کهنده را بنابر قائده لطف پاسخ میدهم که شاید بیدار شوید

با این احادیث

اصبغ بن نباته گوید : امیر المومنین (ع) خطبه ای ایراد کرد ، پس فرمود : ... آیا در مورد مردانش و تعداد آنها برایتان بگویم ؟ گفتیم : بله یا امیر المومنین . ایشان (ع) فرمود : شنیدم که رسول الله (ص) فرمود : اولین آنها از بصره است²³

و همچنین در روایت دیگری میبینید که:

امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع) ... در خطبه ای که نام آن خطبه البیان است ، فرمود : ... بدانید که اولین آنها (اصحاب قائم) از بصره است .²⁴

علاوه بر این، روایت دیگری را مشاهده میکنید که:

ابی بصیر گوید : امام صادق (ع) فرمود : قائم (ع) خروج نمی کند تا زمانی که حلقه کامل شود . گفتم : حلقه با چه تعداد کامل می شود ؟ فرمود : ده هزار نفر ، جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ او را همراهی می کنند . سپس پرچم را برمی افرازد ... رسول الله (ص) آن پرچم را در بدر برافراشت . سپس آن را پیچید و به علی (ع) داد . پس آن پرچم نزد علی (ع) بود تا روز بصره (جنگ جمل) که امیر المومنین (ع) آن را بر افراشت . و خداوند او را پیروز گردانید . سپس آن را پیچید و آن پرچم اکنون آنجا است . کسی آن را بر نمی افرازد تا این که قائم (ع) قیام کند ... بدرستی که او خونخواهانه و غضبناک خروج می کند و متاسفانه به علت غضب

²³ الملاحم والفتن ابن طاووس ص 145 نشر قدیمی و ص 285 نشر جدید . معجم احادیث الامام المهدي (ع) ج 3 ص 104 .

²⁴ الزام الناصب ج 2 ص 174 . مجمع النورین وملتقى البحرین ص 331 . بشارة الاسلام ص 148

خداوند بر این مردم . پیراهنی که رسول الله (ص) در روز احد بر تن داشت را بر تن می کند و عمامه ی او سحاب نام دارد . و زره او زره کامل رسول خدا (ص) است . و شمشیر او شمشیر رسول الله (ص) ذو الفقار است . آن شمشیر را هشت ماه بر دوشش حمل می کند و بی ملاحظه می کشد ^{۲۵} .

روز بصره (جنگ جمل) که امیر المومنین (ع) آن را بر افراشت . و خداوند او را پیروز گردانید . سپس آن را پیچید و آن پرچم اکنون آنجا است . کسی آن را بر نمی افرازد تا این که قائم (ع) قیام کند اکنون پرچم آنجا است یعنی بصره

(کسی آن را بر نمی افرازد تا این که قائم (ع) قیام کند)

امام صادق (ع) فرمود : برای خداوند گنجی در طالقان است که نه طلا و نه نقره است . و پرچمی است که بعد از پیچیده شدنش هرگز برافراشته نشده است . و افرادی هستند که قلبهایشان مانند پاره های آهن است شعار آنها : یا لثارات الحسین (خوانخواهی حسین) است . ^{۲۶}

و پرچمی است که بعد از پیچیده شدنش هرگز برافراشته نشده است) (گنجی در طالقان است)

پرچمی بوده در روز بصره و آنجا پیچیده شده و هرگز بر افراشته نمیشود و به دست قائم از بصره بلند خواهد شد

امام باقر (ع) فرمود : برای خدای تعالی گنجی در طالقان است که نه طلا است و نه نقره . بلکه دوازده هزار نفر در خراسان هستند که شعارشان : " احمد احمد " است و رهبر آنها جوانی از بنی هاشم سوار بر قاطری خاکستری رنگ است . پیشانی بندی قرمز رنگ بر پیشانی بسته است . گویی به او می نگرم که از رود فرات هم می گذرد . اگر آن را شنیدید بسوی او بشتابید حتی سینه خیز بر روی یخها . ^{۲۷}

گنجی در طالقان است که نه طلا است و نه نقره . بلکه دوازده هزار نفر در خراسان هستند که شعارشان : " احمد احمد " است و رهبر آنها جوانی از بنی هاشم میباشد

و نیز این حدیث اثبات بصره می کند

امام باقر (ع) فرمود : ... و آن پرچم رسول الله (ص) است ... رسول الله (ص) آن پرچم را در بدر برافراشت . سپس آن را پیچید و به علی (ع) داد . پس آن پرچم نزد علی (ع) بود تا روز بصره (جنگ جمل) که امیر المومنین (ع) آن را بر افراشت . و خداوند او را پیروز گردانید . سپس آن را پیچید و آن پرچم اکنون آنجا است . کسی آن را بر نمی افرازد تا این که قائم (ع) قیام کند ... بدرستی که او خونخواهانه و و غضبناک خروج می کند و متاسفانه

²⁵ الغيبة النعماني ص 320 . اثبات الهداة ج 5 ص 168 . بحار الانوار ج 52 ص 367 . بشارة الاسلام ص 190

²⁶ بحار الانوار ج 52 ص 307

²⁷ منتخب الانوار المضيئه ص 343

به علت غضب خداوند بر این مردم . پیراهنی که رسول الله (ص) در روز احد بر تن داشت را بر تن می کند و عمامه ی او سحاب نام دارد . و زره او زره کامل رسول خدا (ص) است . و شمشیر او شمشیر رسول الله (ص) ذو الفقار است . آن شمشیر را هشت ماه بر دوشش حمل می کند و بی ملاحظه می کشد ^{۲۸}.

ادامه:

و در روایت دوم که از امام صادق علیه السلام است کسانی که از بصره هستند سه نفرند و نام دومین آن ها احمد بن ملیح است، در حالی که احمد حسن، احمد بن اسماعیل است:

این شبیه هم بسیار کهنه شده و برادرانم بارها به این شبیه پاسخ کامل داده اند ولی باز میبینیم که این شبیه را برای گمراه کردن وارد میکنند در ضمن این مطلبی که بیان کردید دلایل این دعوت نمیباشد والله نمیدانم شما که گفتید دلایل را بررسی میکنم اما تا اینجا که دلایل را بررسی نکردید شاید فراموش کردید!!

در این شبیه همه میگویند چرا احمد اسم پدرشان ملیح نیست پس باطل است!!!

حالا مشخص میکنم که نام پدرشان چیست خوب توجه کنید

رسول الله (ص) فرمود : حتی اگر از دنیا فقط روزی باقی بماند ، حتما خداوند آن روز را طولانی گرداند ، تا این که مردی را از نسل مبعوث می کند که اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است ، دنیا را پر از عدل می کند ، همانطور که پر از ظلم شده است ^{۲۹}

این نکته ای که از روایت بالا استخراج شده است (اسم پدرش مانند اسم پدر من است)

در روایت بعدی مشاهده میکنید که پیامبر خدا (ص) فرمود : ... در آن زمان قائم ظهور می کند . پس به ایشان گفته شد : نام او چیست ؟ پیامبر (ص) فرمود : اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است و او از فرزندان دخترم است ^{۳۰}

این هم نکته ی مشابه ای است که از این روایت استخراج شد (اسم پدرش مانند اسم پدر من است)

²⁸ بحار الانوار ج 19 ص 320 . بحار الانوار ج 52 ص 360 . الزام الناصب ج 1 ص 422 . مکمال المکارم ج 1 ص 220

²⁹ الغیبة الطوسی ص 180 . بحار الانوار ج 51 ص 74 .

³⁰ الامالی الطوسی ص 352 . کشف الغمة ج 2 ص 25 . کشف الیقین ص 467 . غایة المرام ج 1 ص 320 و ج 2 ص 85 و ج 3 ص 202 . منتخب . الأثر ص 155

روایت بعدی :

رسول الله (ص) فرمود : حتی اگر از دنیا فقط یک شب باقی بماند ، حتما خداوند آن شب را طولانی گرداند ، تا این که مردی از اهل بیت من حکومت کند که اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است . دنیا را پر از عدل و داد می کند ، همانطور که پر از ظلم و ستم شده است .³¹

(اسم پدرش مانند اسم پدر من است) و این نکته ی روایت بالا که شاهد مثال ما میباشد

رسول الله (ص) فرمود : بدرستی که شبها و روزها از بین نمی روند ، تا این که مردی از فرزندانم از عترتم متولی امر شود که اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است . او شبیه ترین مردم به من از لحاظ خلقت و اخلاق است³²

روایت بعدی:

رسول الله (ص) فرمود : حتی اگر از دنیا فقط شبی باقی بماند ، حتما خداوند آن شب را طولانی گرداند ، تا این که مردی از اهل بیت من بر این امت حکومت کند که اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است . دنیا را پر از عدل و داد می کند³³

روایت بعدی:

حذیفه بن الیمان گوید : رسول الله (ص) مطالبی در مورد ملاحم و سختی های آخر الزمان فرمود و سپس فرمود: ای حذیفه ، آن بلا از اهل آن زمان برداشته نمی شود تا این که آنها مایوس و ناامید شوند و سوء ظن پیدا کنند که فرج و گشایشی برایشان حاصل نمی شود . در آن هنگام خداوند مردی را از پاکترین عترتم و نیکوترین فرزندانم مبعوث می کند که عادل و پر برکت و پاک است که حتی ذره ای (از حق یا باطل) را فروگذار نمی کند. خداوند به وسیله ی او دین و قرآن و اسلام و اهلش را عزت می بخشد . و به وسیله ی او شرک و اهلش را خوار و ذلیل می گرداند ... خداوند به وسیله ی او تمام بدعت ها را از بین می برد و به وسیله ی او تمام فتنه ها را پایان می دهد . خداوند به وسیله ی او تمام باب ها و درب های حق را می گشاید و به وسیله ی او تمام باب ها و درب های باطل را می بندد ... حذیفه گوید : گفتیم : این بنده ای که خداوند او را برای امت و فرزندان شما انتخاب کرده است ، برای ما نام ببرید . پس رسول الله (ص) فرمود : اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند

³¹ الملاحم والفتن ص 297 . غایة المرام ج 7 ص 105 . مکیال المکارم ج 1 ص 140

³² شرح الاخبار ج 3 ص 386 .

³³ الملاحم والفتن ص 297 . کشف الغمة ج 3 ص 274 . بحار الانوار ج 51 ص 84 . شرح احقاق الحق ج 29 ص 142 .

اسم پدر من است . حتی اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند ، خداوند مقدار آن روز را چنان قرار دهد که تمام آنچه که ذکر کردم در آن انجام شود .^{۳۴}

نکته در این روایت (اسم او مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است)

روایت بعدی:

رسول الله (ص) فرمود : حتی اگر از دنیا فقط یک روز باقی بماند ، خداوند آن روز را حتما طولانی می گرداند تا مردی حکومت کند که اسم او مانند اسم من و خُلُق او مانند خُلُق من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است . دنیا را پر از عدل و داد می کند ، همانطور که پر از ظلم و ستم شده است .^{۳۵}

روایت بعدی را مشاهده کنید و تا اینجا تمامی نکات و شاهد مثال ها را مشاهده کردید

پیامبر خدا (ص) فرمود : مهدی اسمش مانند اسم من و اسم پدرش مانند اسم پدر من است^{۳۶}

این روایت هم بخوبی نگاه کنید و اما اسم پدر پیامبر(ص) که موضوع ما میباشد

رسول الله (ص) فرمود : من پسر دو ذبیح هستم یعنی اسماعیل و عبد الله فرزند عبد المطلب .^{۳۷}

و در روایت بعدی:

حسین بن علی بن فضال گوید : از امام رضا (ع) معنی سخن پیامبر (ص) را پرسیدم فرمودند: من پسر دو ذبیح هستم ، را پرسیدم . فرمود : اسماعیل فرزند ابراهیم خلیل (ع) و عبد الله فرزند عبد المطلب .^{۳۸}

و در روایت بعدی مشاهده میکنید که

وقول النبی صلی الله علیه وآله : أنا ابن الذبیحین.^{۳۹}

و حالا یک نتیجه گیری برای روشن شدن مطلب گرچه که مطالب به خودی خود روشن و واضح هستند

پس اسم مهدی در اخرالزمان احمد است و از بصره میاید و نام پدرشان همانم پدر پیامبر (ص) یعنی عبدالله یا همان اسماعیل است و حالا فقط یک بحث میماند آن هم لفظ ابن ملیح است حالا کاری با اعراب نحوی این لغت ندارم چرا که اعراب را آل محمد (ص) نگذاشته اند و تا اینجا «ملیح» متشابه شد به دلیل اینکه با محکمت

³⁴ الملاحم والفتن ص 264

³⁵ الملاحم والفتن ص 276

³⁶ الملاحم والفتن ص 156 .

³⁷ تفسیر القمی ج 2 ص 226

³⁸ ج 2 ص 189 عیون اخبار الرضا

³⁹ الخصال: 58

موافق نمی باشد چرا که «ملیح» اسم پدر رسول الله نبوده پس در نتیجه «ملیح» متشابه است و احتمال دارد که این لفظ صفتی برای پدر سیداحمدالحسن(ع) باشد

طبق این کلام سید احمدالحسن (ع)

بالنسبة لوالدی منذ أن انتبهت فی هذه الدنيا إلى أن توفي رحمه الله لم أجده قد رفع صوته مع أحد أبداً، وكان كريماً عابداً ذا خلقٍ كريم، يشهد له بذلك كل من عرفه، حتى والله إني لم أر إنساناً بمستوى أخلاقه اللهم إلا ما قرأته عن أخلاق محمد وآل محمد ع والأنبياء والأوصياء⁴⁰

در این صورت دو وجه داریم:

وجه اول: یا احمد و ملیح است که در این صورت هیچ شبهه ای باقی نمی ماند

وجه دوم یا احمد بن ملیح است که در این صورت دو حالت دارد: یا باید بگوییم ابن ملیح مخالف احادیث قطعی هست و بهش عمل نمی شود یعنی فقط به این قسمت از حدیث "بن ملیح" نه تمام حدیث یا اینکه متشابه است و اسم احمد و مکانش از بصره است قطعی میباشد اما بن ملیح یا تک روایت (آحاد) است و مخالف قطعی میباشد و یا اینکه متشابه است و صفت پدر سید احمدالحسن (ع) میباشد بنابر تعریفات که سید احمدالحسن (ع) از پدر بزرگوارشان داشته اند

در پاسخ این سخن مضحک، به همین نکته بسنده می کنیم که این روایت و امثال از دلایل حقانیت احمد حسن است و او می کوشد با ارائه این روایات، حقانیت خویش را اثبات کند. بنابراین بدون اثبات صحت این ادله و امثال آن نمی توان از وصایت او سخن گفت.

برادر عزیز آقای آیتی لطفاً بگویند در کجای ادله ی سید احمدالحسن (ع) وجود دارد که شما بیان کرده اید؟

آیا تا به حال ادله ی ایشان را شنیده اید؟

دلایل سید احمدالحسن (ع) قانون معرفت حجت است نه این مطلبی که شما گفتید

مع العبد الصالح ج 1 ص 79⁴⁰

طرف داران احمد حسن استخاره را یکی از دلایل حقانیت وی می دانند و مدعی اند هر کس در حقانیت وی تردید دارد می تواند با قرآن استخاره کرده و از این راه به حقانیت او پی ببرد. ن ها در این باره متنی را از کتاب الغیة شیخ طوسی می آورند و می نویسند:

اما آیا با استخاره به قرآن می توان حجت الهی را شناخت و آیا این موضوع در روایات اهل بیت علیهم السلام سابقه ای دارد؟ علی بن معاذ گفت: من به صفوان بن یحیی - از بزرگان صحابه امام موسی کاظم علیه السلام - گفتم: چگونه بر [امامت] علی (امام رضا علیه السلام) یقین پیدا کردی؟ گفت: نماز خواندم و دعا کردم و استخاره نمودم و یقین یافتم. (انصار امام مهدی، بی تا: ۵۳)

دوباره تکرار میکنم که استخاره دلیل نمیباشد بلکه مؤید قلبی از طرف ملکوت آسمان هاست شما که ایمان به استخاره ندارید نیازی نیست در این مورد صحبت کنید این صحبت شما ثابت میکند که شما هیچ اعتقادی به هدایت خداوند و طلب خیر از خدا ندارید و حالا پاسخ شبهه

در حدیثی از امام صادق (ع) که می فرمایند: استخاره را همانگونه که سوره های قرآن را یاد می گرفتیم استخاره را همانگونه یاد می گرفتیم. و برای من فرقی نمی کرد اگر استخاره گرفتم بر چه وجهی قرار می گرفت ^{۴۱}

سوال بنده اینجاست چرا حضرت استخاره می گرفت قطعا با این تفاضیل اگر در زمان حضرت بودید او را نفی میکردید و میگفتید که امام معصوم است و نیازی به استخاره ندارد!!

و نیز می فرمایند: هر کس استخاره خدا را قبول کند و به آن راضی به آنچه خدا برای او خواسته باشد. خداوند برای او خیر خواهد ^{۴۲}

در این حدیث هم امر واضح است مشاهده میکنید که حضرت میفرماید خوند برای او خیر میخواهد پس فرد استخاره میگیرد و خیر خداوند را دریافت میکند و به آن عمل میگردد

آیا تا به حال این روایات آل محمد (ص) را دیده ای؟!

و همچنین در مورد سید احمد الحسن (ع) امر به استخاره در روایات وارد شده است. که درباره وی استخاره کنید

امام علی (ع) می فرمایند: اگر در مورد وی متحیر شدید با قرآن در مورد حقانیت استخاره بگیرید و نیز صفوان شتریان حقانیت امام رضا (ع) را پس از تکذیب از علمای وقت با استخاره با قرآن شناخت ^{۴۳}

⁴¹ وسائل الشیعة ج 1 ص 67 / بحار الأنوار ص 225 ج 88 / فتح الأبواب ص 159

⁴² وسائل الشیعة ج 1 ص 63 / وسائل الشیعة ج 7 ص 80 / الکافی ص 241 ج 8 / بحار الأنوار ص 256 ج 88 .

⁴³ در غیبت نعمانی ص 222

حضرت در این کلام خود میگوید که اگر درباره ی او متحیر شدید با قرآن در مورد حقانیت استخاره بگیرید پس اینجا روشن می شود که استخاره دلیل اصلی نمیباشد و دلایل اصلی همان دلایل قانون معرفت حجت میباشد که تاکنون نصرت الله آیتی به آن نپرداخته است

خداوند در قرآن کریم این امر را محکم کرده است آیاتی را ذکر میکنم به همراه تفاسیر تا حقیقت روشن گردد

فَإِنْ تَنَارَظْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [انیز] اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک فرجام تر است

در تفسیر این آیه آمده است از امام صادق (ع) که فرمودند منظور از این آیه یعنی اینکه: یهدی یعنی فرا میخواند^{۴۴}

و باز هم از امام صادق (ع) آمده است درباره ی آیه «**إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ**» فرمودند یعنی به سوی امام هدایت میکند.^{۴۵}

یا از امام باقر (ع) در داریم که میفرماید: یعنی به سوی ولایت دعوت میکند^{۴۶}

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنَكُمْ

« بگو: شهادت چه کسی از هر شهادتی بزرگ تر است؟ بگو: خدا میان من و شما، شهادت می دهد و این قرآن بر من وحی شده است تا شما را و هر کس را که به او برسد بیم دهد آیا شهادت می دهید که با الله خدایان دیگری هم هستند؟ بگو: من شهادت نمی دهم بگو: جز این نیست که او خدایی است یکتا و از آنچه با او شریک می سازید بیزارم»

گواهی خداوند، مهمترین و صحیحترین و اطمینان بخشترین گواهیها

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً

جواز کاربرد «شیء» در مورد خداوند

قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ

گواه طلبی مشرکان از پیامبر (ص) در تأیید رسالت آن حضرت

⁴⁴ (کافی ج 5 ص 13 ح 1).

⁴⁵ (کافی ج 1 ص 169 ح 25)

⁴⁶ (تفسیر عیاشی ج 2 ص 306 ح 25)

قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني و بينكم

خداوند، بزرگترین شاهد بر بطلان شرک و حقانیت توحید

و لا تكونن من المشركين ... قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني و بينكم

قرآن، کتاب جهانی و برای همه عصرها و انداز دهنده کسی که به معارف آن است یابد

و از امام باقر(ع) در مورد این سخن خدای تبارک و تعالی: ((**قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ**)) فرمود: از این رو است که مشرکان اهل مکه گفتند: ای محمد! خدا پیامبر دیگری غیر از تو نیافته است که بفرستد؟ ما کسی را نمی بینیم که گفته های تو را باور کند این امر در آغاز دعوت آن حضرت اتفاق افتاده است در حالی که ایشان در آن هنگام در مکه بودند گفتند: ما از یهودیان و مسیحیان در مورد تو سوال کردیم و آنان ادعا کردند که تو در کتاب های آنان ذکر نشده ای، پس کسی را بیاور که شهادت دهد تو رسول خدایی رسول خدا سلام و درود خدا بر او و اهل بیت او باد، حضرت فرمود: خدا بین من و شما گواه است⁴⁷

"قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ"

کسانی که کافر شدند می گویند تو فرستاده خدا نیستی، بگو خدا و آن کس که علم کتاب نزد اوست برای گواهی میان من و شما بس است⁴⁸

برید بن معاویه روایت میکند که به امام باقر(ع) عرض کردم: مفهوم ((**كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ**))

برید بن معاویه روایت میکند که به امام باقر(ع) عرض کردم: مفهوم ((**كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ**)) چیست؟ فرمود: مقصود از آن ما هستیم و علی (ع) اولین ماست و برترین و بهترین ما بعد از پیامبر(ص) است.⁴⁹

و دیگر روایاتی که در این زمینه موجود است و این امر را واضح میکند که قرآن به امام دعوت میکند از طریقی که شما از خداوند سوال کنید و خداوند در قرانش برای شما روشن میکند

برای کامل شدن بحث یک روایت ذکر میکنم و امر را واگذار میکنم به خودتان تا تامل کنید و حقیقت را پیدا کنید

تفسیر قمی ج 1، ص 202) و هر کسی خواهان مطالب و تفاسیری در این ایه است میتواند به کتاب توحید ج 8 ص 12 و همچنین کتاب اصول⁴⁷ کافی ج 1 ص 344 حدیث 21 و همچنین به کتاب علل الشرایع ص 152 باب 105 مراجع کند تا حق برایش روشن گردد

⁴⁸ (سوره رعد آیه 43)

⁴⁹ (کافی ج 1 ص 179 ح 6)

سلیمان بن بلال گوید: امام صادق علیه السلام از پدر خود و او از پدر خویش و او از حسین بن علیّ علیهم السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: مردی نزد امیر المؤمنین علیه السلام آمد و به او عرض کرد: ای امیر مؤمنان ما را از مهدی خود آگاه کنید، پس آن حضرت فرمود: هنگامی که رفتنی‌ها بروند و منقرض شوند و مؤمنان اندک شوند و آشوبگران از میان بروند پس همان وقت همان وقت است، آن مرد عرض کرد: ای امیر مؤمنان این مرد از کدام قوم است؟ فرمود: از بنی هاشم از بلند مقام‌ترین طوائف عرب است و از دریائی که از هر سو آبها بر آن سرازیر است، اما نگاهی که پناهگاه پناهجویان است و معدن زلال آن است بدان گاه که همه تیره و ناصفا شوند، هنگامی که مرگ شیخون زند او را ترسی در دل نباشد و چون مرگ روی نماید سستی و ناتوانی از خود نشان ندهد، و در میدان نبرد و زور آوری آنجا که دلیران پشتشان به خاک آید، عقب‌نشینی نکند، دامن همت به کمر زده و پر جمعیت و پیروزمند و شیر بیشه شجاعت باشد که ریشه‌کن کننده ستمگران، پشتوانه‌ای استوار و مردانه و شمشیری از شمشیرهای خدا باشد، سالار و پرخیری است که بزرگ‌شده خاندان جلالت و شرف است و ریشه مجد و بزرگواریش در اصیل‌ترین ریشه‌ها باشد، پس تو را هیچ موجب انصرافی - آن کسی که به سوی هر فتنه‌ای شتابان بگریزد و آن کس که اگر سخن بگوید بدترین سخنگو است و اگر خاموش نشیند خباثت‌ها و فسادها در اندرون دارد- از بیعتش منصرف نکند. سپس آن حضرت به توصیف مهدی علیه السلام بازگشت و فرمود: ساحت و درگاهش از همه شما گشاده‌تر و دانش او از همه شما فزونتر است و خویشان و نزدیکان را بیش از همه شما سرکشی می‌کند و حفظ پیوستگی می‌نماید، پروردگارا برانگیخته شدن او را مایه به درآمدن و سر رسیدن دلتنگی و اندوه قرار ده و به واسطه او پراکندگی امت را جمع ساز، پس اگر خداوند برای تو خیر خواست پس عزم خود استوار گردان و اگر در راه رسیدن به خدمت او توفیق یافتی از او به دیگری باز مگرد، و هر گاه به سویش راه یافتی از او در مگذر، (پس از این سخنها) آه برآورد- و در این حال با دست خویش به سینه خود اشاره نمود- و فرمود: چه بسیار به دیدن او مشتاقم⁵⁰

و در ادامه:

⁵⁰ ((النعمانی - ص 221 - 222))

در این گزارش فقط سرزنش کسی است که [در امر اعتقادات] تقلید کرده است. تازه گر هم این عمل صحیح باشد هیچ دلیل و حجتی برای دیگران نیست. علاوه بر این که این مطلب از کسی ذکر شده است (صفوان بن یحیی) که به سبب فضل و زهدش مقام و منزلتی فوق این گونه نسبت ها دارد. بنابراین چطور برای او درست است که در مسئله ای علمی به مخالف بگوید که به خاطر استخاره به امامت ایشان معتقد شدم، مگر این که بگوییم وی معتقد بوده که شخص سؤال کننده در درجه ای زبلاحت و نادانی است که ابله‌ی اش موجب خروج از دایره تکلیف شده؛ اگر چنین باشد معارضه و بحث ساقط است. (طوسی، ۱۴۱۱، الف: ۶۲)

دوباره تکرار میکنم که استخاره دلیل نمیباشد بلکه مؤید بحث دعوت است و شیخ طوسی (ره) صحیح میفرماید: در امر اعتقادات نباید تقلید کرد اما شما این را میگوید که باید از مراجع تقلید کرد و شیخ اذعان دارد اینکه صفوان بن یحیی به وسیله ی علم قطعی و یقینی به امام (ع) ایمان آورده است و در اون لحظه که صفوان بن یحیی داره محاجه میکند با فرد ابله ای که ایمان به استخاره دارد ولی ایمان نمی آورد پس در نتیجه صفوان برای مفتضح کردن آن شخص دلیلی از جانب خود آن شخص می آورد که آن همان استخاره است ولی اگر میخواهید بدانید سید احمدالحسن (ع) حق است یا نه از خداوند سوال کنید والله که پاسختان را خواهد داد

از امام صادق (ع) سوال شد: گرامی ترین بندگان در نزد خداوند متعال کیست؟ حضرت فرمود: کسی که بیشتر به یاد خدا بوده و بیشتر از همه مطیع او باشد. سوال شد: پس مبعوض ترین و منفورترین بندگان نزد خداوند کیست؟ آن حضرت فرمود: کسی که خدا را متهم میکند! راوی سوال کرد: آیا امکان دارد کسی خدای خود را متهم کند؟ امام فرمود: بله کسی که استخاره کرده و آنچه خیرش بوده پیش آمده ولی او اکراه دارد از آنچه پیش آمده و از نتیجه ی استخاره عصبانی و غضبناک است، این چنین فردی است که خدای خود را متهم میکند.^{۵۱}

و در روایت دیگری که امام صادق (ع) میفرمایند: هر کس استخاره ب خدا را قبول کند و به آنچه خدا برای او خواسته است، راضی شود، البته که خداوند برای او خیر خواهد^{۵۲}

ادامه:

⁵¹ وسائل الشیعه ج ۸ ص ۸۰

⁵² وسائل الشیعه ج ۱ ص ۶۳، وسائل الشیعه ج ۷ ص ۸۰، الکافی ص ۲۴۱ ج ۸۱، بحار الانوار ج ۸۸ ص ۲۵۶.

ناتوانی در فهم معنای حدیث

قال موسى بن جعفر عليه السلام: ... وكل قائم من ولده من بعده مهدي قد هداهم الله عز وجل ذكره، وهدى بهم عباده إليه سبحانه، فهم الائمة المهديون والعباد الصالحون الذين ذكرهم الله في كتابه أنه يورثهم الارض و هو لا يخلف الميعاد. (مغربي، ۱۴۱۴، ج ۳، ۳۶۴-۳۶۵)

طرفداران احمد حسن مدعی هستند بنا بر فرمایش امام موسی بن جعفر عليه السلام امام مهدی عليه السلام فرزندانی دارد که مهدی هستند و در نتیجه، این روایت از جمله دلایلی است که اندیشه وجود مهدی‌هایی از نسل امام مهدی عليه السلام را تأیید می‌کند.

بعد از اثبات کردن سید احمد الحسن (ع) با قانون معرفت حجت پی می‌بریم که ایشان یکی از حجت‌های الهی است پس می‌تواند معنای روایات را متوجه شود اما سوال اینجاست علما با چه نص و دلیلی روایات و آیات قرآن را تفسیر کرده‌اند؟ و سوال بعدی که صادر می‌گردد این است شما از کجا فهمیدید تفسیر این روایتی که از جانب دعوت مبارک بیان شده اشتباه است و با چه دلیلی تفسیر به رأی خود را ثابت می‌کنید؟

حالا پاسخ به شبهه ای که وارد کردید

در این روایت که مشاهده می‌کنید امام (ع) اذعان می‌کند که بعد از امام مهدی (ع) فرزندان که از نسل حضرت هستند می‌آیند که همگی مهدی (هدایت کننده) هستند و علاوه بر این روایت، دلایل دیگری از ثقلین در اثبات ذریه امام مهدی (ع) وجود دارد

روایات بسیاری در مورد مهدیین وجود دارد اما می‌خواهیم در مورد این موضوع نیز روایاتی را ذکر کنیم که بر وجود مهدیین و ذریه برای امام مهدی (ع) دلالت می‌کند. پس خوب دقت کنید

دلیل اول: ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی و اولین امامان تو هستی که: شیخ طوسی در کتاب خود (غیبه الطوسی) ص 300 گفته است؛ ، جماعتی به ما خبر داده اند ، از حسین بن علی بن سفیان البزوفری ، از علی بن سنان الموصلی العدل ، از علی بن الحسین ، از احمد بن محمد بن خلیل ، از جعفر بن احمد مصری ، از عمویش حسن بن علی ، از پدرش ، از امام جعفر صادق (ع) ، از امام باقر (ع) ، از امام سجاد (ع) ، از امام حسین (ع) ، از امیر مومنان علی (ع) فرمودند : در شب وفات رسول خدا (ص) به من فرمودند : { ای ابو الحسن قلم و صحیفه ای بیاور و رسول خدا (ص) شروع به إملا کردن وصیت و امام علی (ع) آن را با دست خود می نوشت تا به این موضوع از وصیت رسید و فرمودند (ص) : خداوند در آسمان تو را با این نامها ؛ علی مرتضی ، و امیر مومنان ، صدیق بزرگ ، فاروق اعظم ، مأمون و مهدی قرار داده است . و این اُسماء مخصوص تو است و کسی جز تو ادعای آن را نخواهد کرد . ای علی تو وصی من بر اهل بیتم هم زنده و مرده ی آنها هستی و نیز بر

زناتم : که هر یک از آنها از تو پیروی کرد مرا در آخرت خواهد دید و هر یک از آنها از تو پیروی نکرد مرا در عرصه ی قیامت نخواهد دید و من او را نیز نخواهم دید . و تو خلیفه و جانشین بعد از من بر اُمتم هستی . و اگر وفاتت رسید آن را به فرزندم حسن (ع) و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندم حسین شهید مقتول و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش سید عابدان علی و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش محمد باقر و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش جعفر صادق و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش موسی کاظم و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش علی رضا و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش محمد تقی و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش علی نقی و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش حسن عسکری و اگر وفاتش رسید آن را به فرزندش محمد مستحفظ از آل محمد تسلیم کند . و آنها دوازده امام می باشند و بعد از آنها دوازده مهدی می باشد (و اگر وفاتش رسید) آن را به فرزندش اولین مقربین که سه اسم دارد اسمی همانند اسم من و پدرم و او احمد و عبدالله و اسم سوم او مهدی می باشد تسلیم کند او اولین مومنان است.

دلیل دوم: الفضل بن شاذان، از معمر بن خلاد، از اَبی الحسن، نقل می کند که حضرت فرمودند: گویا می بینم درفش های سبز رنگی از سوی مصر برافراشته شده و بسوی شامات رفته و به فرزندِ صاحبِ وصایا هدایت می شوند". تعلیق شیخ ناظم عقیلی: دلیل این روایت بسیار واضح و آشکار است که قبل از قیام قائم ، درفش ها به فرزند صاحب وصایا هدایت می شوند و صاحب وصایا همان وارث ائمه معصومین (ع) و خاتم اوصیا است که وصیت به دست ایشان (ع) رسیده و او محمد بن حسن عسگری (ع) است که مستحفظ از آل محمد (ع) می باشند و روایت می گویند که درفش ها به فرزند صاحب وصیت یعنی بسوی سیداحمدالحسن (ع) فرزند امام مهدی (ع) هدایت می شوند یعنی باایشان بیعت می کنند⁵³

دلیل سوم: عبد الله بن محمد بن خالد الكوفی، از منذر بن محمد بن قابوس، از نصر بن السندی، از اَبی داود سلیمان بن سفیان المسترق، از ثعلبة بن میمون، از مالک الجهنی، از الحارث بن المغیره، از الأصبع بن نباتة، و سعد بن عبد الله، از محمد بن الحسین بن اَبی الخطاب، از الحسن بن علی بن فضال، از ثعلبة بن میمون، از مالک الجهنی، از الأصبع بن نباتة روایت می کنند که اصبع گفته است : روزی بسوی امیرالمومنین(ع) آمدم ایشان را دیدم که به خاک زمین خیره شده بود، گفتم : یا امیرالمومنین چه شده شما را مشغول تفکر می بینم آیا به زمین مشتاق شده اید ؟ فرمودند: خیر به خدا سوگند که لحظه ای به آن مشتاق نیستم اما به مولودی می اندیشم که در آخرالزمان می آید ، او از نسل فرزند یازدهم من می باشد ، او همن مهدی است که زمین را پراز قسط عدل می کند همانطور که پراز ظلم وستم گشته برای او حیرت و غیبتی است که اقوام بسیار در آن گمراه و اندکی هدایت می شوند . گفتم ای مولای من غیبت و حیرت او چه قدر طول می کشد ؟ فرمودند: شش روز ، شش ماه و یا شش سال . گفتم : آیا این امر از حتمیات است ؟ فرمودند : آری انقدر حتمی است که گویا صاحب

الإرشاد - الشيخ المفید ج 2 ص 376، بشارة الإسلام ص 158، كشف الغمة - ابن اَبی الفتح الاربلي ج 3 ص 259: 53

آن ، اکنون آفریده شده . ای اصبع آنان برگزیدگان این امت و همراه نیکان این عترت هستند . گفتیم : بعد از آن چه خواهد شد ؟ فرمودند: هر چه خداوند اراده کند ، انجام می دهد زیرا تمام غایات و نهایات و اراده ها از آن اوست^{۵۴}

و این روایت را نمی توان به امام مهدی (ع) منطبق ساخت زیرا مخصوص فرزند یازدهم از نسل امام علی (ع) می باشد و فرزند یازدهم امام علی (ع) همان امام مهدی (ع) است پس آن مولود از نسل فرزند یازدهم امام علی (ع) یعنی امام مهدی (ع) می باشد و همچنین برای او غیبتی است که شش روز یا شش ماه و یا شش سال طول می کشد و این غیبت نمی تواند غیبت امام مهدی (ع) زیرا امام مهدی (ع) تنها دو غیبت دارند که غیبت اول 69 سال و دومین غیبت بیش از هزار و صد سال است ، برخی ها با اضافه کردن حرف " ی " به کلمه ی " ظهر " یعنی نسل می خواستند این معنی را القا کنند که حضرت فرمودند از نسلم فرزند یازدهم من تا اینکه این روایت را به امام مهدی (ع) اختصاص دهند و این کار معاندان این زمان است اما برخی از علما روایت را به حال خود ترک کردند و به آن دست نزدند زیرا می دانستند که کلام اهل بیت (ع) صعب ، مستصعب می باشد و امکان فهمیدن آن برایشان وجود نداشته پس آن را رها کردند اما آن مهدی که امام علی (ع) از ایشان سخن فرمودند در آخر الزمان می آید و برای او حیرت و غیبتی است که اقوام بسیار در آن گمراه می شوند همانطور که در روایت دیگر آمده است " : محمد بن مسعود ، از نصر بن الصباح ، از جعفر بن - سهیل ، از ابو عبد الله أخو أبي علي الكابلي ، از القابوسی ، از نصر بن - السندی ، از الخلیل بن عمرو ، از علی بن الحسین الفزاری ، از ابراهیم بن عطیة ، از أم هانئ الثقفیة ، می گوید : (بسوی مولایم محمد بن علی الباقر (علیهما السلام) رفتم و گفتم : ای مولای من آیه ای الْجَوَارِ الْكُنَّسِ) بر من عرضه شد که باعث پریشان حالی و بی خوابی من شده از قول پروردگار (فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ) است . فرمودند: ای ام هانی بپرس ، در مورد مولودی در آخر الزمان است او مهدی از این عترت می باشد که برای او حیرت و غیبتی است که اقوام در آن گمراه شده و اندکی هدایت می یابند ، پس خوشا بحال تو که آن رادرک کردی و خوشابه حال کسی که آن رادرک کند^{۵۵}

دلیل چهارم: أحمد بن إدريس، از علی بن محمد، از الفضل بن شاذان، از عبد الله بن جبلة، از عبد الله بن شنیدم که فرمودند: برای صاحب این امر دو غیبت است، یکی المستنیر، از المفضل بن عمری گوید: از ابا عبد الله از آنها آنقدر طول می کشد که برخی می گویند: مرده و برخی می گویند: کشته شده و برخی می گویند: رفته .. تا آنجا که کسی از اصحابش باقی نمی ماند و هیچ کس از موضع ایشان اطلاعی ندارد جز فرزند و مولی که عهده دار امر او می شود^{۵۶} .

⁵⁴ الغيبة - الشيخ الطوسي ص 164 - 166 ، و ص 336

⁵⁵ کمال الدین و تمام النعمة - الشيخ الصدوق ص 330

⁵⁶ الغيبة - الشيخ الطوسي ص 161 - 162

دلیل پنجم: ابن غسان، یاسناد، از علی نقل میکنند که حضرت فرمودند: "از ما دو مرد خروج می کند که یکی از دیگری است، به یکی از آنان مهدی و به دیگری مرضی گفته می شود".^{۵۷}

دلیل ششم: آنچه در متون روایت آمده "از نبی، در ذکر المهدی، و نیز خیرات و فتوحاتی که خداوند به دست او می دهد، نقل شده که گفته شد: یا رسول الله همه ی این امور را خداوند برای ایشان مهیا می کند؟ فرمودند: آری و هرکس در حیات و ایام ایشان نباشد در ایام ائمه بعد از ایشان از ذریه ی ایشان کائن است".^{۵۸}

دلیل هفتم: أحمد بن علی الرازی، از ابي الحسين محمد بن جعفر الأسدي، از الحسين بن محمد بن عامر الأشعري القمي، از يعقوب بن يوسف الضراب الغساني - در أصفهان - فی حدیثی طولانی می گوید: در سال 181 همراه قومی مخالف از بلادمان بسوی حج رفتیم پس هنگامی که به مکه رسیدیم، برخی از آنان برایمان اتاق (خانه ای) در کوچه بین بازار شب کرایه گرفتند و آن اتاق (خانه) خدیجه (ع) بود که خانه ی رضا (ع) گذاشته شده، در آن پیرزنی گندمگونه بود پس از او پرسیدم: از آنجا که نام این خانه، خانه ی الرضا(ع) است از اهل بیت این خانه می باشی؟ و چرا این خانه را به خانه ی الرضا نام گذاشتی؟ گفت: من از دوستاناران آنان هستم و این خانه ی علی بن موسی الرضا(ع) است که حسن بن علی (ع) آن به من دادند و این خانه واسطه ی بین شیعه و امام عصر(ع) بود - داستان طولانی گشت- و در آخر ذکر کرد که حضرت (ع) نامه ای برای او فرستادند که در آن نوشته، هرگاه خواستی بر رسول الله و باقی ائمه (ع) صلوات بفرستی اینگونه بفرست: (بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد سيد المرسلين، وخاتم النبيين، و حجة رب العالمين، المنتجب في الميثاق، المصطفى في الظلال، المطهر من كل آفة، البريء من كل عيب، المؤمن للنجاء، المرتجى للشفاعة، المفوض إليه اللهم أعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع أهل الدنيا ما (دين الله إلى قوله اللهم (تقر به عينه، وتسر به نفسه، وبلغه أفضل أملة في الدنيا والآخرة، إنك على كل شيء قدير إلى قوله صل على محمد المصطفى، وعلى المرتضى، وفاطمة الزهراء، (و) الحسن الرضا، والحسين المصطفى، وجميع الأوصياء مصابيح الدجى، وأعلام الهدى، ومنار التقى، والعروة الوثقى، والحبلى المتين، والصرات المستقيم، وصل على وليك وولادة عهده، والأئمة من ولده، ومد فى أعمارهم، وأزد فى آجالهم، وبلغهم أقصى آمالهم [دينياً، دنيا (وآخره) إنك على كل شيء قدير^{۵۹}

دلیل هشتم: از امام رضا(ع) برای صاحب امر: یونس بن عبدالرحمن می گوید: امام رضا (ع) فرمودند: در هنگام دعا برای صاحب امر بگوئید: (اللهم ادفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك ولسانك المعبر عنك ...)

⁵⁷ شرح الأخبار - القاضي النعمان المغربي ج 3 ص 393

⁵⁸ شرح الأخبار - القاضي النعمان المغربي ج 2 ص 42

⁵⁹ الغيبة - الشيخ الطوسي ص 273 - 280، وفي مصباح المتهدد - للشيخ الطوسي ص 406 - 409، وجمال الأسبوع - للسيد ابن طاووس ص 304 - 306، والزام الناصب في إثبات الحجة الغائب - للشيخ علي البيهقي الحائري ج 1 ص 331 - 333، البحار ج 52 ص 22 و ج 91 ص 83، مفاتيح الجنان - أعمال يوم الجمعة ص 83 - 85

فرمودند: اللهم أعطه في نفسه وأهله ووَلَدِهِ وذريته وأُمَّته وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسره به نفسه تأنجا كه فرمودند: اللهم صل على ولاة عهده والأئمة من بعده وبلغهم آمالهم، وزد في آجالهم، وأعز نصرهم، (...تا آنجا كه وتمم لهم ما أسندت إليهم من أمرك لهم، وثبت دعائهم، واجعلنا لهم أعواناً، وعلى دينك أنصاراً، فإنهم معادن كلماتك، وخزان علمك، وأركان توحيدك، ودعائم دينك، وولاة أمرك، وخالصتك من عبادك، وصفوتك من خلقك، وأولياؤك وسلائل أوليائك، وصفوة أولاد نبيك، والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته). أبي عمرو بن سعيد العمري (رضي الله عنه از جماعتي از أبي محمد هارون بن موسى التلعكبري مي گویند كه أبا علي محمد بن هماماز اين دعا خبر ميدهد وذكر مي كند كه: الشيخ أبا عمرو العمري (قدس الله روحه) آن را براو املا کرده و او را امر کرده كه آن را بخواند واین دعا بر فرزند امام مهدی (ع) ونیز ذریه ی بعداز ایشان دلالت می كند⁶⁰

دلیل نهم: العلامة المجلسی در یکی از زیارات امام مهدی می فرماید: نماز زیارت رابخوان وهنگامی كه فارغ شدی برای تکمیل آن بگو: اللهم صلّ على محمد وأهل بيته، الهادين المهديين، العلماء الصادقين الأوصياء المرضيين، دعائم دينك، وأركان توحيدك، وتراجمه وحيك، وحججك على خلقك، وخلفائك في أرضك، فهم الذين اخترتهم لنفسك، واصطفيتهم على عبادك، وارتضيتهم لدينك، وخصصتهم بمعرفتك، وجللتهم بكرامتك، وغذبتهم بحكمتك، وغشيتهم برحمتك، وزينتهم بنعمتك، وألبستهم من نورك ورفعتهم في ملكوتك، وحففتهم بملائكتك، وشرفتهم بنبيك. اللهم صلّ على محمد وعليهم صلاة زاكية نامية، كثيرة طيبة دائمة، لا يحيط بها إلا أنت، ولا يسعها إلا علمك، ولا يحصيها أحد غيرك. اللهم صلّ على وليك المحيي لسننك، القائم بأمرك، الداعي إليك، الدليل عليك، وحجتك على خلقك، وخليفتك في أرضك، وشاهدك على عبادك. اللهم أعز نصره، وامدد في عمره، وزين الأرض بطول بقائه، اللهم اكفه بغى الحاسدين، وأعذه من شر الكائدين، وازجر عنه إرادة الظالمين، وخلصه من أيدي الجبارين، اللهم أعطه في نفسه وذريته، وشيعته ورعيته، وخاصته وعامته، ومن جميع أهل الدنيا ما تقر به عينه، وتسره به نفسه، وبلغه أفضل أمله في الدنيا والآخرة إنك على كل شيء قدير. ثم ادع الله بما أحببت⁶¹

دلیل دهم: امام جواد میفرماید: هنگامی كه از نماز فارغ شدی بگو: رضيت بالله رباً، وبالإسلام ديناً، وبالقرآن كتاباً، وبمحمد نبياً، وبعلي ولياً، والحسن والحسين، وعلي بن الحسين، ومحمد بن علي، وجعفر بن محمد، وموسى بن جعفر، وعلي ابن موسى، ومحمد بن علي، وعلي بن محمد، والحسن بن علي، والحجة بن الحسن بن عليّ أئمة، اللهم وليك الحجة فاحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله ومن فوقه ومن تحته، وامدد له في عمره، واجعله القائم بأمرك، المنتصر لدينك وأره ما يحب وتقر به عينه في نفسه وفي ذريته وأهله وماله وفي

⁶⁰ مصباح المتهدج - الشيخ الطوسي ص 409 - 411، المصباح - للكفعمي ص 548 - 550، مفاتيح الجنان ص 616 - 618، معجم أحاديث الإمام

المهدي - الشيخ الكوراني ج 4 ص 172 - 173: دعای روایت شده

البحار - العلامة المجلسي ج 99 ص 100 - 101⁶¹

شیعته و فی عدوه، و أرهم منه ما یحذرون، و أره فیهم ما یحب و تقر به عینه، و اشف به صدورنا و صدور قوم مؤمنین) ^{۶۲}.

دلیل یازدهم: (السلام علیک یا حجة الله فی أرضه، السلام علیک یا عین الله فی خلقه، السلام علیک یا نور الله الذی یهدی به المهتدون و یفرج به عن المؤمنین، السلام علیک آیها المهذب الخائف، السلام علیک آیها الولی الناصح، السلام علیک یا سفینه النجاة، السلام علیک یا عین الحیاء، السلام علیک صلی الله علیک و علی آل بیتک الطیبین الطاهرین، السلام علیک عجل الله لک ما وعدک من النصر و ظهور الأمر، السلام علیک یا مولای أنا مولاک عارف بأولک و أخراک، أتقرب إلى الله بک و بآل بیتک، و انتظر ظهورک و ظهور الحق علی یدیک، و اسأل الله أن یصلی علی محمد و آل محمد و أن یجعلنی من المنتظرین لک و التابعین و الناصرین لک علی أعدائک و المستشهرین بین یدیک فی جملة أولیائک، یا مولای یا صاحب الزمان صلوات الله علیک و علی آل بیتک، هذا یوم الجمعة و هو یومک المتوقع فیہ ظهورک و الفرج فیہ للمؤمنین علی یدیک و قتل الکافرین بسیفک، و أنا یا مولای فیہ ضیفک و جارک، و أنت یا مولای کریم من أولاد الکرام و مأمور بالضيافة و الإجارة، فأضفنی و أجرنی، (صلوات الله علیک و علی أهل بیتک الطاهرین) ^{۶۳}.

دلیل دوازدهم: و هذه الزيارة فی خلال أدعية عرفة: از جمله دعاهاى روز عرفه که با استناد از أبی محمد هارون بن موسى التلعکبری، با استناد از ایاس بن الأکوع، از پدرش، از أبی عبد الله جعفر بن محمد الصادق (علیهما السلام)، می گوید: از حضرت شنیدمکه در روز عرفه دعایی می خواند پس آن را نوشتم، در آن دعا کر شده که در هنگام زوال خورشید روز عرفه بعد از نماز ظهر و عصر، بگوئید: (... تا انجا که فرمودند): السلام علیک یا مولای یا أبا القاسم محمد بن الحسن صاحب الزمان، صلی الله علیک و علی عترتک الطاهرة الطيبة. یا موالی کونوا شفعاى فی حط و زری و خطایای، آمنت بالله و بما أنزل إلیکم، و أتوالی آخرکم بما أتوالی به أولکم، و برئت من الجبت و الطاغوت و اللات و العزی. یا مولای، أنا سلم لمن سالمکم، و حرب لمن حاربکم، و عدو لمن عاداکم، و ولی لمن والاکم إلى یوم القيامة، و لعن الله ظالمیکم و غاصبیکم، و لعن الله أشیاعهم و أتباعهم و أهل مذهبهم، و أبرأ إلى الله و الیکم منهم) ^{۶۴}.

دلیل سیزدهم: ::کنز جامع الفوائد و تاویل آیات ظاهره : محمد بن عباس، از محمد بن حسین بن حمید از جعفر بن عبدالله از کثیر بن عیاش از ابی جارودی از ابی جعفر (ع) در مورد قول پروردگار (الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ) فرمودند: این آیه در مورد آل محمد (مهدی) و اصحاب ایشان می باشد که خداوند آنان را مالک شرق و غرب زمین می کند و دین را ظهور می دهند و خداوند بوسیله ی ایشان و اصحابش تمام بدعت ها و باطل

⁶² من لا یحضره الفقیه - الشیخ الصدوق ج 1 ص 327، الکافی - الشیخ کلینی ج 2 ص 548 :

⁶³ جمال الأسبوع - السید ابن طاووس ص 41 - 42، مفاتیح الجنان ص 92 زیارة الإمام المهدي در روز الجمعة، ضیاء الصالحین ص 358

⁶⁴ إقبال الأعمال - السید ابن طاووس ج 2 ص 117 - 136، مفاتیح الجنان - زیارة الجامعة ص 628 - 629

را می میراند همانگونه که باطل حق را کشته بود تا آنجا که دیگر هیچ اثری از ظلم و ستم دیده نمی شود و آنان
"امر به معروف ونهی از منکر می کنند وعاقبت امور از آن پروردگار است ^{۶۵}

ابی بصیر گوید : به امام صادق جعفر بن محمد(ع) گفتم : ای پسر رسول خدا از پدرتان امام باقر(ع) شنیدم که
فرمود : پس از قائم دوازده امام می باشند . امام صادق(ع) فرمود : نه بلکه ایشان فرمود دوازده مهدی و نگفت
دوازده امام و ایشان از شیعیان ما می باشند که مردم را به ولایت ما و شناساندن حق ما دعوت می کنند ^{۶۶}
و روایات در خصوص مهدیین

امام صادق (ع) فرمود : همانا از ما بعد از قائم (ع) دوازده مهدی از فرزندان حسین (ع) می باشند ^{۶۷}
روایت بعدی:

امام سجاد (ع) فرمود : قائم ما قیام می کند سپس بعد از او دوازده مهدی خواهند بود ^{۶۸}
روایت بعدی:

ابی بصیر گوید : به امام صادق جعفر بن محمد (ع) گفتم : ای پسر رسول خدا از پدرتان امام باقر (ع) شنیدم که
می فرمود : پس از قائم دوازده امام می باشند . امام صادق (ع) فرمود : بلکه ایشان فرمود دوازده مهدی و نگفت
دوازده امام و ایشان از شیعیان ما می باشند که مردم را به ولایت ما و شناساندن حق ما دعوت می کنند ^{۶۹}
روایت بعدی:

امام علی (ع) فرمود : در حیره مسجدی بنا خواهد شد که پانصد در خواهد داشت در آن خلیفه و جانشین قائم
عجل الله تعالی فرجه نماز خواهد خواند . زیرا مسجد کوفه برای آنان کوچک و تنگ است . در آن دوازده امام
عدل نماز خواهند خواند ^{۷۰}
روایت بعدی:

امام باقر (ع) فرمود : کوفه پاک و طاهر است ... در آن مسجد سهیل است که خداوند پیامبری را مبعوث نکرد
مگر اینکه در آن مسجد نماز خواند ، و از آنجا عدل خدا پدیدار می شود ، و در آن است قائمش و قوام (قائم
های) بعد از او ^{۷۱}

⁶⁵ إقبال الأعمال - السيد ابن طاووس ج 1 ص 191

⁶⁶ کمال الدین و تمام النعمه ج 2 ص 358 . بحار الأنوار ج 53 ص 145

⁶⁷ منتخب الانوار المضيئة ص 353 . مختصر بصائر الدرجات ص 49 . بحار الأنوار ج 53 ص 148

⁶⁸ شرح الاخبار ج 3 ص 400

⁶⁹ کمال الدین و تمام النعمه ج 2 ص 358 . بحار الأنوار ج 53 ص 145

⁷⁰ تهذيب الاحكام ج 3 ص 253 . بحار الأنوار ج 52 ص 374

روایت بعدی:

امام رضا (ع) فرمود: برای صاحب الامر اینگونه دعا کنید: ... خداوندا بر والیان عهد او (یعنی امام مهدی (ع)) و امامان بعد از او درود فرست و آرزوهایشان را بر آور و بر عمرهایشان بیافزای ... که آنها معادن کلمات و خزانه داران علمت و ارکان توحیدت و ستون های دینت و والیان امر تو هستند ...^{۷۲}

امام مهدی (ع) فرمود: ... خداوندا بر ولایت (یعنی امام مهدی (ع)) و والیان عهد او و امامان از فرزندان او درود فرست و عمرشان را زیاد کن و زندگیشان را طولانی گردان ...^{۷۳}

روایت بعدی:

امام حسن عسکری (ع) فرمود: در روز سوم شعبان تولد امام حسین (ع) است . پس این دعا را بخوانید: خدایا از تو می خواهم به حق کسی که در این روز به دنیا آمده همانا که امامان از نسل او هستند و اوصیاء بعد از قائم و غیبتش نیز از عترت و فرزندان او هستند^{۷۴}

روایت بعدی:

کعب الاحبار گفت: آنها دوازده نفر هستند . پس زمانی که آنها به انتها رسیدند ، بجای آن دوازده نفر ، دوازده نفر دیگر مانند آنها را قرار می دهد . و این چنین خداوند به این امت وعده داده است و این آیه را خواند: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند وعده داده است که آنها را حتما در زمین خلیفه کند ، همانگونه که کسانی که قبل از آنها بودند را خلیفه کرده است^{۷۵} .

و ادامه:

⁷¹ کامل الزیارات ص 76 . وسائل الشیعة ج 3 ص 524

⁷² جمال الاسبوع السيد بن طاووس ص 307 . مصباح المتجهد الطوسی ص 409 . المصباح الکفعمی ص 548 . مفاتیح الجنان دعا برای امام زمان (ع) دعای بعد از دعای عهد

⁷³ الغیبة الطوسی ص 273 . بحار الأنوار ج 52 ص 17 . دلائل الامامة ص 300 . مستدرک الوسائل ج 16 ص 89 . إثبات الهداة ج 3 ص 685 . بحار الأنوار ج 94 ص 78 . جمال الاسبوع السيد بن طاووس ص 494 . المصباح الکفعمی ص 546 . مفاتیح الجنان اعمال روز جمعه در صلوات ضراب اصفهانی

⁷⁴ مختصر بصائر الدرجات ص 34 . اقبال الاعمال ج 3 ص 303 . المصباح الکفعمی ص 543 . مصباح المتجهد الطوسی ص 826 . بحار الانوار ج 53 ص 94 . مفاتیح الجنان اعمال روز سوم شعبان

⁷⁵ (تفسیر ابن ابی حاتم ج 8 ص 2628 ح 14769 . الخصال ص 474 . عیون اخبار الرضا (ع)

از دیگر شیوه‌های مروّجان احمد حسن، استناد به نقل‌های شاذ و بی‌توجهی به خانواده حدیثی یک روایت است.
می‌نویسند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ... يَا عَلِيُّ أَمَّتْ بَيْتِي وَأَنَا مِنْكَ وَأَنْتَ أَخِي وَوَزِيرِي فَإِذَا مَشَتْ ظَهْرَتُكَ حَقَائِقِي فِي حُدُودِ قَوْمِي سَيَكُونُ بَعْدِي فِتْنَةٌ صَقَاءٌ صَبِيحَةٌ يَسْتَقْطُ فِيهَا كُلُّ وَبِيحَةٍ وَبَطَانَةٍ وَذَلِكَ عَثَدٌ فَقَدَانٌ شِيَعَتِكَ الْحَامِسَةُ مِنَ السَّابِعِ مِنْ وَزِيرِكَ يَحْرَقُ لِقَمَدِهِ أَهْلَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ ... (بخاری ص ۱۳۱، ۱۵۸ - ۱۵۹)

... ای علی، تو از منی و من از تو هستم و تو برادرو وزیر من هستی؛ و هنگامی که من بمیرم کینه‌های نهفته در سینه‌های مردم برای تو آشکار شود و به زودی پس از من فتنه گنگ و تاریک بیاید که در آن هر دوست صمیمی و نزدیکی از بین برود؛ و این آن‌گاه است که شیعیان تو پنجمین فرزند از نسل هفتمین امام که آن پنجمین فرزند از فرزندان توست را نیابند، و برای فقدان اهل زمین و زمان محزون شوند. پس چه ...

امام علی (ع) می‌فرماید: شنیدم رسول الله (ص) فرمود: زمانی خواهد آمد که پنجمین از هفتمین از فرزندان تو ناپدید (غایب) خواهد شد. اهل زمین و آسمان از فقدان او ناراحت و محزون شوند. سپس سرش را پایین کرد و مدتی سکوت کرد و بعد فرمود: پدر و مادرم فدای هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران.^{۷۶}

در روایت بالا امر واضح است و به صورت صریح حضرت دارد بیان میکند و نیازی به تویل و تفسیر ندارد. چرا روایات را به زعم خود تفسیر میکنید امری که واضح باشد نیازی به تویل ندارد.

استناد به نسخه بدل‌های ثابت نشده

عن الأصغ بن نباتة قال: أتيت أمير المؤمنين عليه السلام فوجدته متفكراً ينكت في الأرض، فقلت: يا أمير المؤمنين! ما لي أراك متفكراً تنكت في الأرض، أرغبة منك فيها؟ فقال: لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا يوماً قط ولكنني فكرت في مولود يكون من ظهر الحادي عشر من ولدي، هو المهدي الذي يملا الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً، تكون له غيبة وحيرة، يضل فيها أقوام ويهتدي فيها آخرون. فقلت: يا أمير المؤمنين! وكم تكون الحيرة والغيبة؟ قال: ستة أيام أو ستة أشهر أو ست سنين. فقلت: وإن هذا لكائن؟ فقال: نعم كما أنه مخلوق وأنى لك بهذا الأمر يا أصغ أولئك خيار هذه الأمة مع خيار أبرار هذه العترة:

اصغ بن نباته گوید: محضر امیر المومنین (ع) رسیدم. و ایشان را در حال خط کشیدن با چوبی روی زمین دیدم. پس به ایشان گفتم: یا امیر المومنین چه شده که شما را متفکرانه و در حال خط کشیدن روی زمین می بینم. آیا شما نسبت به آن میل و آرزو دارید؟ فرمود نه به خدا قسم که هرگز نه به آن و نه به دنیا آرزومند و مایل بوده ام. ولیکن به کسی که از نسل فرزند یازدهم من متولد می شود فکر می کردم. او همان مهدی است که دنیا را پر از عدل و داد می کند در حالی که پر از ظلم و ستم شده است. برای او حیرت و غیبت است.

کفایة الاثر ص 157 . الصراط المستقیم ج 2 ص 127 باب 10 فصل 4 . غایة المرام ص 12 باب 2 ح 11 . بحار الانوار ج 36 ص 337 باب 76
41 ح 200 . بحار الانوار ج 51 ص 108 باب 1 ح 42

که گروهی در آن زمان هدایت و گروهی دیگر گمراه می شوند. اصبع گفت: مولای من حیرت و غیبت او چقدر عرض کردم: آیا این امر واقع می شود؟ فرمود: بله. است؟ امام علی (ع): شش روز یا شش ماه یا شش سال او خلق شده است و تو کجا و این امر کجا؟ ای اصبع آن ها بهترین و برگزیدگان این امت هستند که با خوبان و نیکوکاران این عترت خواهند بود. عرض کردم: بعد از آن چه می شود؟ فرمود: هر چه که خدا بخواهد انجام می دهد و تحقیقا خداوند بدائات و ارادات و غایات و نهاییاتی دارد^{۷۷}

این روایت هم که واضح و نیاز به توضیح ندارد. فرزند یازدهم حضرت امیر، محمد بن الحسن ع یا حضرت بقیه الله میباشند و مردی از نسل او اشاره به یمانی آل محمد سید احمدالحسن (ع) دارد و حیرت و غیبت ایشان هم که واضح و روشن است

و حالا وارد متن روایت میشویم

در این حدیث به روشنی به امام احمد الحسن (ع) که وصی و از نسل امام مهدی (ع) است، به عنوان مولودی از نسل فرزند یازدهم امام علی (ع) که همان امام مهدی (ع) می باشد، اشاره شده است و مصادر و سندهایی که در آن، این حدیث شریف با لفظ: (مولود یكون من ظهر الحادی عشر من ولدی)(مولودی که از نسل فرزند یازدهم من است)، وارد شده است

مصادر حدیث اصبع نباته^{۷۸}

توضیح تکمیلی

اما چرا در برخی کتب، مولفان و تصحیح کنندگان آنها، به این تغییر روی آوردند؟ دلیل آن واضح است. چون آنها به وصی سیزدهم آگاه نبودند. در نتیجه گمان می کردند که متن این حدیث، باید حتما و فقط به امام مهدی محمد بن الحسن (ع) بازگردد. زیرا آنها به اوصیای بعد از امام مهدی (ع) آگاه نبودند. در نتیجه، سعی کردند این حدیث را به امام مهدی (ع) نسبت دهند و به این تغییر روی آوردند. زیرا این حدیث به وضوح به فرزند امام مهدی (ع) یعنی امام احمد الحسن (ع) که از نسل و فرزندان ایشان هستند، دلالت می کند

⁷⁷ الغیبة الطوسی ص 164 ح 127 . الکافی ج 1 ص 338 ح 7

⁷⁸ نبأته الکافی کلینی ج 1 ص 338. /شرح أصول الکافی ج 6 ص 255 الغیبة الطوسی ص 164 ح 127 الغیبة الطوسی ص 336 ح 282 الغیبة الطوسی

ص 164 ح 127 کمال الدین وتمام النعمة الصدوق ص 288 باب 26 ح 1

مکیال المکارم محمد تقی الأصفهانی ج 1 ص 113: (مولود یكون من ظهر الحادی عشر من ولدی) به نقل از کمال الدین. کمال الدین وتمام النعمة

الصدوق ص 288 باب 26 ح 1. مکیال المکارم محمد تقی الأصفهانی ج 1 ص 113: (مولود یكون من ظهر الحادی عشر من ولدی) به نقل از کمال

الدین. الاختصاص المفید ص 209

نهج السعادة المحمودی ج 7 ص 464. الغیبة النعمانی ص 68 جدید و ص 29 نسخه خطی دلائل الامامة الطبری ص 529. الهدایة الکبری الخصبی

ص 362 اثبات الوصية المسعودی ص 279

البته حتی اگر بگوییم که تغییر در حدیث ، از روی خیرخواهی بوده است ، اما باید بخاطر امانت داری علمی ، از این امر دوری کرد

نتیجه پایانی : اثبات حدیث با لفظ صحیح و قدیمی

بدین ترتیب کاملا واضح و با دلایل محکم ، اثبات شد که این حدیث شریف از امیر المومنین (ع) ، با لفظ : (مولود یكون من ظهر الحادی عشر من ولدی)(مولودی که از نسل فرزند یازدهم من است) ، از مشایخ بزرگ و از اصحاب و خواص امامان اطهار (ع) ، وارد شده است و صدور این حدیث قطعی و دلالت آن بر وصی سیزدهم امام احمد الحسن (ع) محکم می باشد

حدیث کامل

عن الأصبع بن نباته قال: أتيت أمير المؤمنين عليه السلام فوجدته متفكرا ينكت في الأرض، فقلت، يا أمير المؤمنين مالي أراك متفكرا تنكت في الأرض، أرغبه منك فيها؟ فقال: لا والله ما رغبت فيها ولا في الدنيا يوما قط ولكني فكرت في مولود يكون من ظهري، الحادی عشر من ولدی، هو المهدى الذى يملأ الأرض عدلا وقسطا كما ملئت جورا وظلما، تكون له غيبة وحيرة، يضل فيها أقوام ويهتدى فيها آخرون، فقلت: يا أمير المؤمنين! وكم تكون الحيرة والغيبة؟ قال: ستة أيام أو ستة أشهر أو ست سنين، فقلت: وإن هذا لكائن؟ فقال: نعم كما أنه مخلوق وأنى لك بهذا الامر يا أصبع أولئك خيار هذه الأمة مع خيار أبرار هذه العترة، فقلت: ثم ما يكون بعد ذلك فقال: ثم يفعل الله ما يشاء فإن له بداءات وإرادات وغايات ونهايات

اصبع بن نباته گوید : محضر امیر المومنین (ع) رسیدم و ایشان را متفکرانه ، در حال خط کشیدن بر روی زمین دیدم . پس گفتم : ای امیر مومنان ، چه شده است که شما را متفکرانه ، در حال خط کشیدن بر روی زمین می بینم ؟ آیا شما در آن میل و رغبت یا آرزو دارید ؟ امیر المومنین (ع) فرمود : به خدا سوگند که هرگز نه در آن و نه در دنیا ، راغب و آرزومند نبوده ام . ولیکن به مولودی فکر می کنم که از نسل فرزند یازدهم من است . او همان مهدی است که دنیا را پر از عدل و داد می کند ، همانطور که پر از ظلم و ستم شده است . برای او حیرت و غیبتی است که گروهی در آن زمان زمان گمراه و گروهی دیگر نیز هدایت می شوند . پس گفتم ای امیر مومنان ، آن حیرت و غیبت چه میزان است ؟ امام علی (ع) فرمود : شش روز یا شش ماه یا شش سال . گفتم : آیا این امر واقعا اتفاق می افتد ؟ فرمود : بله ، همانطور که او خلق شده است . و تو را چه به این امر ای اصبع ؟ آنها بهترین های این امت هستند به همراه بهترین های ابرار این عترت . پس گفتم : بعد از آن چه می شود ؟ امیر المومنین امام علی (ع) فرمود : سپس خداوند هرچه بخواهد انجام می دهد . بداء و تعییرات و ازادات و خواسته ها و غايات و هدف ها و نهايات و پایان ها برای اوست

استناد به خبر واحد سنی و ادعای تواتر آن در احادیث شیعی

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّبَائِطِ السُّودَ قَدْ جَاءَتْ مِنْ قَبْلِ خُرَّاسَانَ فَأْتُوها فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمُتَهْدِيَّ: (ابن حنبل، بی تا: ج ۵، ۲۷۷)

نکته اول: آیا استناد به روایت اهل تسنن مشکلی دارد؟ اگر مشکلی دارد باید دلیل به ما بدهید در ثانی روایتی را که شیعه و اهل تسنن بیان کرده باشند این روایت عمل میشود پس مشکل کجاست؟

روایتی از ثوبان (رضی الله عنه) نقل کرد که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: (نزد گنج شما سه نفر می‌جنگند که همه آنها مدعی خلافت هستند آنگاه امر به هیچکدام از آنها نمی‌رسد، سپس پرچم‌های سیاه از جانب مشرق بیرون آمده و با آنها طوری خواهند جنگید که هیچ قومی اینطور نجنگیده است - (سپس چیزی را ذکر کرد) - پس فرمود: اگر او را دیدید با او بیعت کنید چونکه او خلیفه‌ی خدا مهدی (است).^{۷۹} امام حافظ أبو عبدالله حاکم آن را تحقیق و نقل کرده است. او می‌گوید: «این حدیث طبق گفته بخاری و مسلم صحیح است.» البته آن دو، خود این حدیث را نیاورده‌اند، و حافظ ابو نعیم با این معنا آنرا نقل نکرده است و به جای ذکر گفته‌ی راوی می‌گوید: (خلیفه‌ی خدا مهدی می‌آید)!! و عجیب این است که این تحریف کننده، حتی به خود زحمت نداده - لا اقل از باب تبرئه خود- در حاشیه کتاب به تحریفی که به آن اقدام کرده اشاره ای بنماید!!

اما صحبت نویسنده‌ی سطرها در مورد خطای چاپی، غریب و دور از ذهن بوده بلکه تمسخر برانگیز است، چون که چاپ ایرانی مذکور، هر دو صورت را با هم روایت می‌کند، و آن همانطور که یاد کردیم تحقیق شده است. و ظاهراً سید کاظمی از دو جای کتاب عقد الدرر روایت را نقل می‌کند. در صورتی که نویسنده‌ی سطرها تنها یکی از آنها را یاد می‌کند، و این کار، کتمان حقایق از جانب خود او است.

اما آنچه که مربوط است به اشکال وارده از نویسنده‌ی سطرها در مورد روایت ذیل: (هرگاه پرچم‌های سیاه را دیدید که از خراسان در حال آمدن هستند، به سوی آنها بشتابید هرچند سینه خیز بر روی برفها، چون خلیفه‌ی مهدی (علیه السلام) در میان آنهاست).

- ر.ک: ص 36 از همین کتاب⁷⁹

برداشت‌های سطحی از روایات

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: الله أجل وأكرم وأعظم من أن يترك الأرض بلا إمام عادل. قال: قلت له: جعلت فداك! فأخبرني بما استريح إليه. قال: يا أبا محمد! ليس يرى أمة محمد عليه السلام فرجاً أبداً ما دام لولد بنى فلان ملك حتى ينقرض ملكهم، فإذا انقرض ملكهم أتاح الله لامة محمد رجلاً منا أهل البيت، يشير بالتقى ويعمل بالهدى ولا يأخذ في حكمه الرشى، والله انى لا عرفه باسمه واسم أبيه، ثم يأتي الغليظ القصرة ذو الخال والشامتين، القائم العادل الحافظ لما استودع يملأها قسطاً وعدلاً كما ملأها الفجار جوراً وظلماً؛ (ابن طاووس، ۱۴۱۴، ج ۳، ۱۱۶ - ۱۱۷)

در نکته اول در این بخش روشن کنم که: آیا یک فرد غیر معصوم میتواند روایات ال محمد را متوجه شود و تفسیر کند؟

در ثانی شما و علمایتان تحت هیچ شرایطی نمیتوانید احادیث را تاویل و تفسیر کنید پس این ایراد را اول به خودتان وارد کنید

و حالا پاسخ شما خوب دقت کنید

طرف‌داران احمد حسن مدعی هستند تعبیر «اهل البيت» در این روایت دلالت بر این دارد که شخصیت مورد نظر امام صادق عليه السلام، امام است؛ چرا که در اصطلاح روایات، واژه اهل البيت مخصوص امامان معصوم است. از این رو طبق مفاد این روایت، پیش از ظهور امام مهدی عليه السلام امامی از اهل بیت وجود خواهد داشت. در حالی که این که واژه اهل البيت اصطلاح خاصی است که شامل تمام خاندان پیامبر گرامی اسلام عليه السلام نمی‌شود و مخصوص امام علی عليه السلام و حضرت زهرا عليها السلام و امامان از نسل آنان است،

این کلام آقای آیتی است که درباره ی روایت بالا توضیح میدهد

باید متذکر شوم که برادر نصرت الله آیتی شما لفظ «مِنَّا» را نمیبیند

حدیث از امام صادق(ع) نقل شده و حضرت میگوید از ما اهل بیت مردی خروج میکند اگر حرف شما درست باشد که امام صادق(ع) از اهل بیت قرار نمیگیرد بلکه اهل بیت مخصوص پنج تن آل عبا است ولی حضرت میگوید از ما اهل بیت مردی میاید یعنی از آل محمد است، پرچمش از اهل بیت است و حرف اهل بیت را میزند در ثانی اگر این تعبیر شما درست باشد چرا رسول الله «ص» میگوید «السلمان منا اهل البيت» یعنی سلمان از اهل بیت است!؟

پس در نتیجه مبنای پوچ خنده دار شما زیر سوال رفته است

اما در اینجا لفظ اهل بیت دو معنا را به خود اختصاص می‌دهد. معنای اول: معنای نخست اینکه اهل بیت همان پنج تن آل عبا است به شرطی که تصریح شود و معنای دوم اینکه اهل بیت آل محمد (ع) را در برمیگیرد و هر کسی که با قانون معرفت حجت بیاید و خود را ثابت کند

برداشت‌های سطحی از روایات

قال أمير المؤمنين عليه السلام على منبر الكوفة: ... لا بد من رحى تطحن فإذا قامت على قطبها وثبتت على ساقها بعث الله عليها عبداً عنيفاً خاملاً أصله، يكون النصر معه أصحابه الطويلة شعورهم، أصحاب السبال، سود ثيابهم، أصحاب رايات سود، ويل لمن ناوهم، يقتلونهم هرجاً، والله لكأنى أنظر إليهم وإلى أفعالهم، وما يلقي الفجار منهم والأعراب الجفأة يسلمتهم الله عليهم بلا رحمة فيقتلونهم هرجاً على مدينتهم بشاطئ الفرات البرية والحرية، حذاء ما عملوا وما ركب نظام للعسد؛ (نماز، ۱۴۲۲، ۲۶۴-۲۶۵)

— قول علی ابن ابی طالب (ع): (لابد من وجود رحی تطحن فاذا قامت علی قطبها وثبتت علی ساقها) (آسیابی باید بگرددش درآید و همینکه کاملاً بگرددش افتاد و پا برجا شد).

این روایت در وصف فتنه‌ها و آسیاب جنگ است (قامت علی قطبها وثبتت علی ساقها) و در غیر از این روایت در کلام اهل بیت در می‌یابیم که به صراحت بیان می‌کنند که در همان زمان فرج از برای خاندان حضرت محمد است و بیان می‌کنند که وقت و زمان پرچم خاندان حضرت محمد (ص) در عصر ظهور مقدس است:

در خطبه طولانی خود می‌فرماید: (... اما بعد ، فانه لابد من رحی تطحن ضلاله ، فاذا طحنت الامیر المومنین قامت علی قطبها . الا وان لطحنها روقا و ان روقها حدھا و علی الله فلھا . الا وانی و ابرار عترتی و اطائب ارومتی احلم الناس صغارا و اعلمهم كبارا . معنا رایه الحق والهدی ، من سبقها مرق و من خذلها محق و من لزمها لحق . اهل بیت من علم الله علمنا ، و من حکم الله الصادق قیلنا ، و من قول الصادق سمعنا . فان تتبعونا تهتدوا ببصائرنا وان تتولوا عنا یعذبکم الله بایدینا او بما شاء . نحن افق الاسلام ، بنا یلحق المبطی والینا یرجع التائب)^{۸۰}.

در خطبه طولانی خود می‌فرماید: (... اما بعد ، آسیابی که ضلالت و گمراهی را آسیاب کند الامیر المومنین باید وجود داشته باشد ، و اگر آسیاب کرد و برعمود خود استوار گشت ، جز این نیست که برای آسیاب آن صاف کننده ای است و هر صاف شده ایی انتهایی دارد ، و جز این نیست که من و نیکان عترتم و بهترین امتم بردبارترین مردم در کوچکی و داناترین در بزرگی هستیم ، پرچم حق و هدایت همراه ماست ، که هر کس از آن

⁸⁰ - کتاب سلیم بن قیس - تحقیق الانصاری - ص 258-259 .

پیشی گیرد مرتد و از دین خارج می شود و هرکس آن را یاری ندهد هلاک می شود و هر کس به آن تمسک جوید نجات یابد. ما اهل بیت علم ما از خداست ، و گفتار ما از حکم خدا وند صادق است واز گفتار راستگو شنیدیم ، اگر از ما پیروی کنید با بصیرت ما هدایت می شوید و اگر دوری کنید خداوند شما را به وسیله ما عذاب می کند یا به آنچه بخواهد ، ما افق اسلام هستیم ، و به ما آدم سست ملحق می شود و انسان توبه کننده به ما باز می گردد) .

ودرمی یابیم که امیرالمومنین ما را از وجود آسیاب ضلالت و جنگ خبر می کند ، و سپس ما را از وجود پرچم حق و هدایت که تمسک به آن نجات و دوری از آن سبب نابودی است خبر می کند ، و انگار به ما می گوید که بر شماست که از پرچم ما که پرچم عصمت و نجات دهنده از فتنه هاست پیروی کنید ، و شناختیم که پرچم امام علی(ع) در آخر الزمان همان پرچم یمانی موعود است که آن با همان اوصافی که علیه السلام خاندان حضرت محمد امیر امومنین بیان کرده ، وصف شده است . (رایه الحق والهدی ، من سبقها مرق و من خذلها محق و من لزمها لحق) (پرچم حق و هدایت ، هر کس از آن پیشی گیرد مرتد و از دین خارج می شود و هرکس آن را یاری نکند هلاک می شود و هر کس همراه و ملازم آن باشد نجات می یابد) .

و همچنین می یابیم که امیر المومنین (ع) از خود آسیاب کننده سخن می گوید، و خصوصا اگر دو روایت را با هم مقایسه کنیم .

(لابد من وجود رحی تطحن فاذا قامت علی قطبها وثبتت علی ساقها)(آسیابی باید بگردش در آید و همینکه کاملا بگردش افتاد و پا برجا شد)، (لابد من رحی تطحن ضلاله ، فاذا طحنت قامت علی قطبها) (آسیابی ، که ضلالت و گمراهی را آسیاب کند باید وجود داشته باشد ، و اگر آسیاب کرد و برعمود خود استوار گشت)

سپس می بینیم که امام علی (ع) برای این پرچم هدایت طلب یاری و پیروی از آن می کند ، و دوری از آنرا مایه عذاب می داند..(فان تتبعونا تهتدوا ببصائرنا وان تتولوا عنا یعذبکم الله بایدینا او بما شاء)..(اگر از ما تبعیت کنید با بصیرت ما هدایت می شوید و اگر از ما دوری کنید خداوند شما را به دست ما و یا چیز دیگر عذاب می کند).. و همچنین این روایت را با روایت امام باقر(ع) که یاری دادن یمانی موعود را واجب و دوری از آن سبب ورود به آتش جهنم است ، تطبیق کن تا وضعیت برای شما روشن شود.

و حال به سخن امیر المومنین (ع) که می فرماید : (آسیابی باید بگردش در آید و همینکه کاملا بگردش افتاد و پا برجا شد ...) می آییم.

ب - قوله: (بعث الله علیها عبدا عنیفا خاملا اصله)(خداوند بنده ای سنگ دل و با اصل و نسب نا معلوم را برانگیزد) .

بعد از اینکه آسیاب استوار گشت ، خداوند بنده ای سنگ دل را برای جنگ و نابودی آسیاب باطل و فساد بر می انگیزد ، و آن شخص را به وصف (عبدا) بنده ای وصف نمود ، که کلمه عبد از عبودیت و اطاعت خدا گرفته شده است ، و این مرد همان (عبدالله) یا بنده خدا که در عصر ظهور است ، و طبعاً این به معنی این نیست که این صفت بر شخص دیگری تطبیق ندارد ، بلکه به این معنی است که این صفت در نهایت حد آن بر این مرد در فرمودند : (قال انی عبد الله اتانی الكتاب) زمان و مکان خودش منطبق است . همانطور که حضرت عیسی و جعلنی نبیا^{۸۱}) گفت : من بنده خدا هستم که کتاب به من داد و مرا پیامبر قرار داد .

و همانطور که خداوند رسولش حضرت محمد را وصف نمود (وانه لما قام عبدالله یدعوه کادوا یكونون علیه لبدا)^{۸۲} (و همین که بنده خدا برخواست تا او را بخواند چیزی نمانده بود که بر سر وی فرو افتند) .

و همانطور که امیر المومنین (ع) می فرمود و به آن افتخار می کرد (انا عبدالله واخو رسول الله) (من بنده خدا و برادر رسول خدا هستم) .

و او را به (عنیفا) وصف نمود به این معنا است که او در امر خود محکم و استوار است و از ریشه عنف به معنای شدید و ضد لطافت و مداراست و این بر اهمیت ماموریت این مرد که زمینه ساز اصلی قیام امام مهدی است اشاره می کند ، و روایاتی که بیان شد اشاره به شدت زیاد امام مهدی (ع) در افزونی قتل ظالمین و منافقین و منحرفین دین در زمان قیامش می کنند.

و اما اینکه به (خاملا اصله) وصف شده ، این دو معنی جداگانه دارد که روی معنای آنها باید تمرکز نمود و اینها) خاملا) و (اصله)

خاملا از خمل یعنی مخفی گرفته شده ، پس (خاملا) یعنی مخفی شده . زبیدی در تاج عروس خود می گوید :
خَمَلَ ذِكْرَهُ وَصَوْتَهُ خُمُولًا : خَفِيَ قَالَ الْمُتَنَخَّلُ : -

هل تَعْرِفُ الْمَنْزِلَ بِالْأَهْيَلِ ... كَالْوَشْمِ فِي الْمِعْصَمِ لَمْ يُخْمَلِ

أراد : لم يَدْرُسْ فَيُخْفِي هُوَ مِنْ حَدِّ نَصَرَ هَكَذَا صَرَّحَ بِهِ الْأَزْهَرِيُّ وَابْنُ سَيِّدَةَ وَالْجَوْهَرِيُّ وَالصَّاعِقَانِيُّ وَابْنُ الْقَطَّاعِ وَابْنُ الْقُوطَيْبَةِ ...)^{۸۳} .

81 - سوره جن آیه 30 .

82 - سوره جن آیه 19 .

83 - تاج عروس ج 14 ص 212 ماده خمل .

- یادش وصدایش مخفی شده مخفی شدنی : غربال کننده مخفیانه گفت : - آیا منزل را با اهل می شناسی ... مانند علامت درمعصمی که مخفی نمی شود

- خواست : پس خمول در این روایت همان مخفی شدن و ناشناخته در بین مردم است. (اصله) اصل و اساس درختان و گیاهان همان ریشه آن است ، و اگر گفته شود که درخت از جایگاهش کنده شده ، یعنی از ریشه اش کنده شده و این برانسان هم اطلاق می شود که به اصل ابا و اجدادش برمی گردد.

ابن منظور در لسان العرب می گوید: (أُنشِدَ ثَعْلَبَ وَرُبَّ حَسِيبِ الْأَصْلِ غَيْرِ حَسِيبِ أَى لَهُ آبَاءٌ يَفْعَلُونَ الْخَيْرَ وَلَا يَفْعَلُهُ هُوَ)

(... از روباه بپرس و مرد با اصل و نسب بدون کفایت یا به عبارتی خاندانی دارد که کار خیر می کنند اما او انجام نمی دهد)^{۸۴} .

و این همان چیزی است که بین مردم معروف و رواج دارد، وقتی که گفته شود (اصل فلان) که همان نسبت ، و نسب همان انساب خاندان ... و همان چیزی که به آن افتخار می کنند، و یا چیزی که خود به آن افتخار می کند و بر مال و ثروت هم اطلاق می شود .

پس معنی (خاملا اصله) یعنی نسبش مخفی از مردم است ، و از آن معلوم می شود که صاحب درفش خاندان حضرت محمد که هدایتگرترین پرچم در عصر ظهور است ... یک چیز مخفی در نسب خود دارد ، و این اشاره ای است از اهل بیت و از هر اشاره ای منظور و هدفی دارند ، و چگونگی مخفی بودن نسب یمانی در جلد های بعدی خواهد آمد .

و سخن آنها که فرمودند : (بعث الله عليهم عبدا) یعنی این مرد از طرف خدا مبعوث شده و منظور آن است که وی سربازی از سربازان خداست ، و نه بدین معناست که بر آنها تسلط پیدا می کند همان طوری که خداوند ظالم را بر ظالم مسلط می کند و این از ادامه روایت و روایات دیگر روشن می شود ، همانطور که می دانیم او همان زمینه ساز قیام امام مهدی (ع) و صاحب پرچم خاندان حضرت محمد است که خداوند او را مبعوث می کند ، و این مبعوث شدن در کلام خداوند که می فرماید: (فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا)^{۸۵} (پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند و این تهدید تحقق یافتنی است) .

84 - لسان عرب ج 1 ص 310 ماده حسب .

اسراء : 5⁸⁵

و خواننده محترم بیا باهم بین الفاظ آیه و روایت مقایسه ای بکنیم :

بعثنا = بعث الله (فرستادیم = خدا فرستاد)

عبادا لنا " عباد الله " = عبدا " عبدالله " (بندگان ما " بندگان خدا " = بنده " بنده خدا ")

اولی باس شدید = عنیفا ... یسلطهم الله علیهم بلا رحمه فیقتلونهم هر جا

سخت نیرومندند = شدید و نیرومند ... خداوند آنها را بی رحمانه بر آنان مسلط می کند و آنها را بی ملاحظه می کشند .

همانطور که معلوم است می توان تعبیر فرد بر جمع برای احترام یا مشابه آن اطلاق شود ، و می توان بر جمع اطلاق شود و منظور رهبر و فرمانده آنها باشد ، و همانطور از رهبر تعبیر می شود که منظور همان عامه از ایشان و از قوم خود باشد .

در سخنان اهل بیت (ع) در تفسیر آیه مبارکه می بینیم :

عن ابی عبدالله(ع) فی قوله تعالی : ((وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ) قال : قتل علی بن ابی طالب(ع) طعن الحسن (ولتعلن علوا كبيرا) قال : قتل الحسین(ع) (فذا جاء وعد اولیئهما) فاذا جاء نصر دم الحسین(ع) : (بعثنا علیکم عبادا لنا اولی باس شدید فجاسوا خلال الدیار) قوم یبعثهم الله قبل خروج القائم (عج) فلا یدعون وترا لال محمد الا قتلوا (وکان وعدا مفعولا) خروج القائم(ع))⁸⁶

از امام صادق(ع) در تفسیر آیه (وما در تورات به بنی اسرائیل خبر دادیم که قطعا دو بار در زمین فساد می کنید) فرمود شهادت امام علی (ع) و طعن به امام حسن (ع) ، (و به سر کشی و طغیان بزرگ دچار می شوید) ، فرمود : شهادت امام حسین (ع) (پس هنگامی که وعده نخستین فساد شما فرا برسد) و هر وقت که خون خواهی امام حسین(ع) فرا رسد (بندگان سخت پیکار و نیرومند خود برای آنها فرستادیم که که لا به لای خانه را جستجو کنند) ، قومی که خداوند قبل از خروج حضرت قائم (ع) برای از بین بردن دشمنان خاندان حضرت محمد (ص) می فرستد (و یقینا وعده خدا شدنی است) آن خروج حضرت قائم(ع)).

تفسیر عیاشی : از حرمان از ابی جعفر (ع) می فرماید : در حال مطالعه بود : (فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أَوْلَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَأْسٍ شَدِيدٍ) ثم قال : (وهو القائم واصحابه اولی باس شدید) .

86 - الکافی ج 8 ص 206 .

(پس هنگامی که (هنگام ظهور) وعده نخستین فسادانگیزی و طغیان شما فرا رسد ، بندگان سخت پیکار و نیرومند خود بر ضد شما بر انگیزیم) سپس فرمودند : (همان قائم (ع) و اصحابش بندگان سخت پیکار و نیرومند هستند))^{۸۷} .

و صحبت در مورد این دو روایت به خاطر طولانی نشدن سخن به جلسات آینده موکل می کنم انشاء الله .

قوله : (يكون النصر معه) (که پیروزی با وی می باشد) - ج

و پیروزی برفاسقین و منحرفین بنی عباس و بنی امیه و پیروان آنهاست و همچنین هر کسی که با خاندان حضرت محمد (ص) دشمنی کند ، و این پیروزی همان فتح و پیروزی برای حضرت قائم (ع) است ، خداوند می فرماید :
(وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ)^{۸۸} .

علی بن ابراهیم قمی می گوید : ("وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ") یعنی در دنیا با پیروزی قائم (ع) ...^{۸۹} .

د- قوله (ع) : (اصحابه الطويله شعورهم اصحاب السبال) (اصحابی که موهای آنها بلند است و اهل سبیل هستند) .

شاید منظور از موهای بلند در اینجا کنایه از افکار و علم باشد ، و این بدان معناست که علم این مومنین مجاهد فراوان و زیاد است .

و اما (اصحاب سبیل ها) که شاید منظور صفتی برای مو باشد که آن لخت یا پر پشت و یا غیر مجعد ؛ و این در ظاهر باشد ، و این همچنین بر حسب ظاهر است ، و همچنین کنایه از سهولت افکار شان باشد یعنی هیچ تشویش و اضطرابی و انحرافی ندارند .

و السبال جمع سبله است و آن دارای معانی زیادی است و از جمله آن سبله شارب (سبیل) و مثنی آن سبالان ، و آن ادامه سبیل که از دو طرف به ریش منتهی می شود ، و گفته شده که همان ریش است و همچنین گفته شده که آن مخصوصا جلوی ریش است^{۹۰} ... و این به معنی این است که آنها اصحاب شجاعت و مردانگی در ذات خدا و دینش هستند ، و یا شجاعت آنها بسته به دین و اخلاق است ، به خاطر اینکه سبیل رمز ی برای مردانگی و ریش نما دین است و الله اعلم .

⁸⁷ - تفسیر العیاشی ج 2 ص 281 / بخار الانوار ج 51 ص 57

⁸⁸ - صف - آیه 13 .

⁸⁹ - تفسیر القمی ج 2 ص 366 .

⁹⁰ - به لسان العرب ابن منظور ج 11 ص 321 - 322 ماده سبل مراجعه کن .

هـ — قوله (ع): (سود ثيابهم اصحاب رايات سود) (لباس هایشان سیاه و صاحبان پرچم های سیاه هستند) .
و بعد از بیان اینکه پرچم حق در عصر ظهور یکی است ، و آن پرچم یمانی موعود است و از نسل امام حسین
وصی است ... در اینجا چیز دیگری اضافه می شود و آن صاحب پرچم های سیاه همانطوری که روایات گذشته
بیان نمودند و آنکه پیروانش دارای پوشش سیاه هستند.

و — قوله (ع): (ویل لمن ناوهم یقتلونهم هر جا والله لکانی انظر الیهم والی افعالهم وما یلقى الفجار منهم والاعراب
الجفاه یسلطهم الله علیهم بلا رحمه فیقتلونهم هر جا علی مدینتہم بشاطی الفرات البریه والبحریه جزاء بما عملوا
وما ربک بظلام للعبید) .

(وای بر کسیکه با آنان ستیزد که بی ملاحظه آنان را بکشند. بخدا قسم گوئی آنان را می بینم و کارهایشان و
آنچه بدکاران و عربهای ستمگر از دست آنان می بینند در پیش چشم من است خداوند آنانرا که مهری در
دلشان نیست برایشان مسلط میکند و در شهرهای خودشان که در کنار فرات است شهرهای ساحلی و بیابانی،
ایشان را بی محابا میکشند بجزای آنچه که کرده‌اند و پروردگار تو به بندگانش ستم روا ندارد.)

اینجا امام علی(ع) شدت برخورد این اولیا با فجار و اعراب ستمگر را برای ما روشن می کند ، و آن چگونه بدون
رحم از این فاسقین در کنار رود فرات در عراق انتقام می گیرند ، و مسئله کشتار بدون رحم نیز حضرت قائم
به آن وصف شده است:

از ابی بصیر که می گوید : شنیدم ابا جعفر امام باقر (ع) می فرماید : (... و یضع السیف علی عاتقه ثمانیه اشهر
هر جا مرجا حتی یرضی الله . قلت : فکیف یعلم رضاء الله ؟ قال : یلقى الله فی قلبه الرحمه)⁹¹ .

(... و شمشیر را به مدت هشت ماه بردوش برای کشتار قرار می دهد تا خداوند را راضی کند . گفتم : چگونه به
رضایت خدا آگاه می شود . ؟ فرمودند : خداوند رحمت را در قلبش قرار می دهد) .

و از امیر المومنین (ع) در خطبه ای از ایشان : (... فاذا کان ذلک ابعث الله خیر هذه الامه) (او قال : البریه)
فیقتلهم هر جا هر جا حتی یرضی الله ، و حتی یقول قریش والعرب : والله لو کان هذا من آل محمد لرحمنا ،

⁹¹ - الغیبه للنعمانی ص 168

ویرتمنون انهم رأونی ساعه من نهار لاشفع لهم الله ، فقام اليه رجل ، فقال : يا امير المومنين ، ومتی يبلغ رضا الله ؟ قال : يقذف الله في قلبه الرحمه ، فيرفع السيف عنهم . فقال له : متى يكون ذلك ؟ قال : ان شاء الله)⁹² .

وازمير المومنين(ع) در خطبه ای از ایشان : (..... واگر آن زمان فرا رسد خداوند بهترین این امت را می فرستد «یا فرمود : مردم» وآنهارا بدون رحم از بین می برد تا خداوند را خوشنود نماید تا جایی که قریش وعرب بگویند : به خدا قسم اگر ایشان از خاندان حضرت محمد (ص) بود به ما رحم می کرد .وآرزو می کنند که در ساعتی از روز مرا ببینند تا برای آنها شفاعت . مردی ایستاد وگفت : يا امير المومنين ، چگونه به خوشنودی خدا آگاه می شود ؟ فرمودند : خداوند در قلبش رحمت می اندازد وشمشیر را از آنها بر می دارد . به ایشان گفتند : آن چه زمانی خواهد بود ؟ فرمودند : هر وقت خدا بخواهد .)

وتا اینجا به توفیق خدا به انتهای روایت گذشته رسیدیم وروایت دیگری از امير المومنين (ع) که تطابق عجیبی با روایت گذشته دارد ، را شرح می دهیم .

از امير المومنين (ع) که فرمودند : (ملك بنی العباس یسر لاعسر ، فیه دولتهم لو اجتمع علیهم التکرک والدیلیم والهند والبربر والطیلسان لن یزیلوه ، ولا یزالون فی غضاره من ملکهم حتی یشد عنهم موالیهم واصحاب الویتهم ، ویسلط الله علیهم علجا یخرج من حیث بدا ملکهم ، لایمر بمدینه الا فتحها ، ولا ترفع له رایه الا هدها ، ولا نعمه الا ازالها ، الویل لمن ناواه ، فلا یزال كذلك حتی یظفر ویدفع بظفره الی رجل من عترتی ، یقول بالحق ویعمل به)⁹³ .

(حکومت بنی العباس آسان و سخت نیست در دولت آنهاست که اگر توده های ترک ودیلیم وهند وسند وبربر جمع شوند نمی توانند آنها را ساقط کنند ، آنها در آسایش وآرامش زندگی می کنند تا اینکه گروهی از مسئولان وپرچمدارانیشان از آنها منحرف شوند .آنگاه خداوند مرد نیرومندی را بر آنها مسلط می کند که از منطقه ای برمی خیزد که سلطنت آنها از آنجا شروع شده است ، بر شهری وارد نمی شود مگر آنکه آنرا بگشاید ، پرچمی علیه او برافراشته نمی شود جز اینکه سرنگون می شود ، نغمه ای علیه او ساز کار نباشد جز اینکه نابودش سازد ، وای بر کسی که با او در گیر شود . او همچنان پیش می رود وپیش می تازد تا همه پیروزی هایش را به مردی از عترتم تقدیم کند ، که به حق می گوید وبه آن عمل می کند .)

⁹³ - الغیبه للنعمانی ص 258

حذف روایات مخالف

بر اساس روایات، یمانی - که قیامش از علایم حتمی ظهور است - از یمین خروج می‌کند. حال آن‌که احمد حسن اهل بصره است و مدعی است از شرق و خراسان قیام خواهد کرد بنابراین نه اهل یمین است و نه از یمین قیام خواهد کرد و این با روایات اهل بیت علیهم‌السلام تعارضی آشکار دارد.

طرف‌داران احمد حسن برای فرار از این رسوایی بزرگ، مدعی شده‌اند که در روایات ا یمانی بودن» یمانی سخن به میان نیامده است. می‌نویسند:

... وإن من علامات خروجه: خروج السفیانی من الشام وخروج الیمانی [من الیمین]

رسول اکرم را به این نام نامگذاری کرده اند زیرا اصلی در یمین دارد

یمانی به این دلیل لقب یمانی گرفته، زیرا او از آل محمد (ص) است و آل محمد (ص) همگی یمانی هستند، زیرا مکه از توابع یمین است نه حجاز، برای اینکه آن در صحرای تهامه است و تهامه از یمین می باشد و در معجم البلدان یاقوت حموی آمده: و مدائنی می گوید

تهامه من الیمین وهو ما أصر منها إلى حد فی باديتها ومكة من تهامة (تهامه از یمین است که از صحرای شروع) و تا بادیه امتداد دارد و مکه از تهامه است⁹⁴

و در کتاب اعانه طالبین بکری الدمیاطی آمده که وی می گوید

الیمین، وهی اسم للأرض المنخفضة، ويقابلها نجد، فإن معناه الأرض المرتفعة، والیمین الذی هو إقليم معروف، (مشتمل علی نجد و تهامه). (یمین، نامی است برای زمین پست که در مقابل آن نجد قرار دارد، و آن به معنای زمین مرتفع است و یمین که سرزمینی معروف است از نجد و تهامه تشکیل شده است⁹⁵

پس مکه از تهامه است، و تهامه از یمین است، به همین خاطر از زبان بعضی از آن‌ها (ع) آمده که میگفتند

ونشهد أن سيدنا محمداً عبده ورسوله، المبعوث من تهامة، المظلل بالغمامة، الخ

گواهی می دهیم که آقای ما محمد بنده و رسول خداست که از تهامه مبعوث شده و ابرها بر وی سایه انداخته (اند). الخ⁹⁶

سلیم بن قیس هلالی از امیرالمومنین (ع) نقل میکند که حضرت اوصاف پیامبر را در کتب آسمانی خود را بیان میکردند تا اینجا که فرمودند: (خداوند تبارک و تعالی مبعوث کرد مردی را از نسل ابراهیم خلیل الله از زمینی که به (آن نام تهامه و از روستایی که به آن مکه میگفتند⁹⁷

⁹⁴ معجم البلدان: ج 2/ص 63

⁹⁵ إعانة الطالبين للبكري الدمیاطي: ج 2/ص 342

⁹⁶ جواهر العقود للمنہاجي الأسیوطي: ج 1/ص 260

این روایت هم به صراحت به این مطلب اشاره دارد که تهمامه سرزمینی است که مکه یکی از قریه های آن میباشد. و تهمامه هم که از یمن است

از ابی جعفر (ع) نقل میشود پیامبر فرمودند: همانا مردان یمن بهتر هستند و خواستگاه ایمان از یمن است (و حکمت از یمن است و اگر هجرت نبودن هم مردی از اهل یمن می ماندم

و به همین دلیل علامه مجلسی کلام اهل بیت (ع) را در بحار الانوار را حکمت یمانیه نامید:

و مهد أراضی قلوب المؤمنین لبساتین الحکمة الیمانیة فدحاها... الخ) (.) ... و در زمین قلوب مومنان را باغ ... (... های حکمت یمانیه قرار داد و آنها را لبریز کرد⁹⁸

و علامه مجلسی در بحار الانوار از جزری نقل می کند که جزری می گوید:

فی الحدیث الإیمان یمان، والحکمة یمانیة، إنما قال ذلك، لأن الأیمان بدأ من مکة وهی من تهمامة، وتهمامة من أرض الیمن، ولهذا یقال: الکعبة الیمانیة

در حدیث آمده که ایمان یمان و حکمت یمانیه است، آن را حضرت (ص) فرمودند زیرا ایمان از مکه شروع شده (و آن از تهمامه و تهمامه از سرزمین یمن است و به همین دلیل گفته می شود، کعبه یمانیه⁹⁹

و رسول الله (ص) فرمودند: (خیر الرجال أهل الیمن والإیمان یمان وأنا یمانی) (بهترین مردان اهل یمن هستند و ایمان یمانی و من یمانی هستم¹⁰⁰

و از این جا در می یابیم که رسول الله (ص) و اهل بیت ایشان (ع) همگی یمانی هستند، به این معنا که آن ها به یمن باز می گردند بهتر بگوییم که اصلشان از یمن می باشد، حتی اگر در اماکن دیگری به دنیا آمده باشند، پس امام محمد بن حسن عسکری (ع) با وجود اینکه در عراق در شهر سامراء متولد شد، یمانی است

و چون یمانی از اهل بیت (ع) است آنان این لقب را به ایشان دادند، یعنی او را ملقب به یمانی کردند، زیرا که اصلش از یمن است، و با ولادت در منطقه ای دیگر منافات ندارد. زیرا لقب به اصل و نسب بر می گردد و اصل ایشان از یمن است

⁹⁷ غیبت نعمانی باب 4 حدیث 9

⁹⁸ بحار الأنوار للعلامة المجلسی: ج 1/ص

⁹⁹ بحار الأنوار للعلامة المجلسی: ج 22/ص 137).

¹⁰⁰ الأصول الستة عشر: ص 81، بحار الأنوار: ج 57/ص 232

و این امر واضحیست حتی در کلام ما : زمانی که یکی از ما به اروپا برود و در آنجا ازدواج کند و خداوند به او فرزندان عطا کند فرزند او عراقی باقی می ماند با اینکه در سرزمین غرب به دنیا آمده و حتی نسل ما هم عراقی می ماند

و نیز مشاهده می کنیم که القاب فرزندان علمای که در نجف متولد شده اند به لقب پدرانشان باز می گردد ،مثلاً فرزندان سید خوئی که در نجف متولد شده اند خودشان را به خوی منسوب میکنند در حالیکه شاید حتی نمی دانند که شهرو زادگاه پدرشان در کجا قرار دارد

و در کتاب الفتن اثر نعیم بن حماد مروزی از شریح بن عبید از کعب نقل می کند که می گوید:

(ما المهدی إلا من قریش وما الخلافة إلاّ فیهم غیر أن له أصلاً ونسباً فی الیمن)

(مهدی نیست مگر از قریش و خلافتی نیست مگر در میان آنان غیر از این که اصل و نسبی در یمن دارد)¹⁰¹

آنچه از لفظ یمانی بر می آید ممکن است که به یمن بازگردد و یا به معنی یمن یا خیر و برکت و یا ممکن است که به معنی یمین - دست راست - باشد و شخص یمانی دست راست امام زمان (عج) می باشد همانگونه که امام علی (ع) دست راست رسول الله (ص) بوده و ممکن است به معنی صاحب ید بیضاء و کریمه باشد انسان سخاوتمند و کریم صاحب دستان سفید (ایادی البیضاء) می نامند و بذل و بخشش معمولاً با دست راست صورت می گیرد و چه بسا خیلی ها هستند که از گرفتن چیزی از کسی با دست چپ و یا دادن چیزی به کسی با همان دست بدشان می آید

قال الامام الصادق (ع): و یقبض أموال القائم و یمشی خلفه أصحاب الکهف، و هو الوزير الایمن للقائم و حاجبه و نائبه و یبسط فی المشرق والمغرب الأمن کرامة الحجة بن الحسن علیه السلام

امام صادق (ع) فرمود: و اموال قائم را دریافت می کند و پشت سر او اصحاب کهف به راه می افتند و او وزیر راست قائم، و وزیر و نائش است و در مشرق و مغرب امن را گسترش می دهد به برکت حجت ابن الحسن (ع)¹⁰²

ابی عبیده حذاء می گوید : از ابی جعفر (ع) درباره ی این امر سوال کردم که چه زمانی خواهد بود ؟ فرمودند :
(إن کنتم تؤملون أن یجئکم من وجه ، ثم جاءکم من وجه فلاتنکرونه

« اگر شما امید داشتید که از یک جهتی بیاید ، سپس از جهت دیگر آمد ، انکارش نکنید »¹⁰³

¹⁰¹ کتاب الفتن لنعیم بن حماد المروزی: ص 231

¹⁰² الزام الناصب ج 2 ص 158

¹⁰³ امامت و تبصرت ابن بابویه قمی : 94

از ابی حمزه ثمالی، گفت: ابو جعفر و ابو عبد الله (علیهما السلام) گفتند: (یا ابا حمزه، ان حدثناک بامر انه یجیء من هنا فجاء من هاهنا فان الله یصنع ما یشاء، وان حدثناک الیوم بحدیث وحدثناک غداً بخلافه فان الله یمحو ما یشاء ویثبت) «ای ابا حمزه، اگر به شما درباره ی امری سخن گفته باشیم که از این جهت می آید ولی از جهت دیگر آمد، پس بدرستی که خداوند انجام می دهد آن چه را که بخواهد، و اگر امروز به شما «سخنی گفته باشیم، و فردا بر خلاف آن بگوییم، خداوند آن چه را که بخواهد محو یا ثابت می کند»¹⁰⁴

پس این روایت هاوغیر از آن ها دست ما را بر حقیقتی خیلی مهم قرار می دهند، و آن این که مسئله مکان و زمان ظهور او که همراه با استتار و کتمان و رمز و راز بوده، حکمتی دارد که فقط اهلش آن را می دانند و بر آن اطلاع خواهند یافت، و ناگزیریم که در برابر ارائه ی چنین دلیل و برهان تسلیم شویم

با مطالعه دقیق روایات جهت و مکان خروج یا ظهور یمانی موعود واضح می شود، و آن همان جهت مشرق - عراق - است، با ملاحظه کتمان و رموز بودن آن که مابه اختصار آن را بیان میکنیم

عن النبی (ص): (... وسیخرج من هذا - ای علی (ع) - فتی یملاً الأرض قسطاً وعدلاً فإذا رأیتم ذلك فعلیکم (بالفتی الیمنی، فإنه یقبل من المشرق، وهو صاحب رایة المهدی

از رسول خدا ص: ... و از این - امام علی ع - جوانی خارج می شود که زمین را پر از عدل داد می کند پس اگر آن جوان یمنی را دیدید به سوی او بروید پس آن از مشرق می آید و او صاحب پرچم امام مهدی عج می باشد¹⁰⁵

عن أمير المؤمنين (ع): ... و یرج قبله - ای الإمام المهدی - رجل من أهل بیهته، بأهل المشرق، و یحمل السیف علی عاتقه ثمانیة أشهر

از حضرت علی علیه السلام فرمود: مردی از اهل بیت آن حضرت به اهل شرق خروج کرده و مدت هشت ماه شمشیر را بر دوش خود حمل می کند¹⁰⁶

ما قبلاً گفتیم که یمانی وزیر حضرت و فرمانده سپاه حضرت میباشد و با کنار هم گذاشتن این روایات برای ما روشن میشود که آن شخصی که از اهلبیت میآید از سمت مشرق همان یمانی است

¹⁰⁴ بحار الانوار: ج 4 ص 119

¹⁰⁵ (المهدی المنتظر الموعود/ب: 4: 107

¹⁰⁶ الملاحم ابن طاووس ص 66 باب 133

اعم بودن دليل از مدعا

یکی از ادله‌ای که بر وجود امامان و مهدیانی پس از امام مهدی عج دلالت دارد، دعای امام صادق عج در روز عرفه است: «السلام عليك يا مولای یا أبا جعفر محمد بن علی، السلام عليك يا مولای یا أبا الحسن علی بن محمد، السلام عليك يا مولای یا أبا جعفر الحسن بن علی، السلام عليك يا مولای یا أبا القاسم محمد بن الحسن صاحب الزمان، صلی الله عليك و علی عترتك الطاهرة الطيبة.» طیب و طاهر بودن به معنای عصمت است و از آن جا که عصمت از ویژگی‌های ائمه است، این دعا نیز بر وجود امامان، از نسل، امام مهدی دلالت دارد.

در این جا آقای آیتی می‌خواهد نفی حجت‌های الهی را بعد امام مهدی (ع) بکند و به این روایت استناد میکند روایت می‌گوید علی عترتک الطاهره الطیبه... طاهر و طیب صفت عترت است و با توجه به این مورد یعنی بعد از امام مهدی (ع) حجت‌هایی حضور دارند

در ثانی هر چه ما لفظ طیب را برای حضرت زهرا (س) داریم اما به این معنا نیست که حضرت زهرا امام باشد چرا که قانون خداوند نیست که یک زن امام شود و این لفظ اگر از طرف معصوم بر یک مرد دلالت کند قطعاً او معصوم است پس استدلال شما برای حضرت زهرا (س) استدلالی نادرست است اگر کمی تأمل کنید ما بحثمان در مورد امام است و امام مذکر است پس الفاظ و توصیه‌هایی که از امام قبلی به فرد دیگری میشود به تحقیق آن فرد امام و دارای عصمت است علاوه بر آن روایت دال بر وجود امامان و مهدیین بعد از امام مهدی (ع) دارد پس خوب گوش کنید

آیا مهدیین (ع) فقط در وصیت ذکر شده اند؟

غیر از وصیت پیامبر (ص) روایت‌های زیادی به مهدیون اشاره نموده است، هنگام ملاحظه آن نمی‌توان وجود مهدیین از فرزندان امام مهدی (ع) را انکار نمود و دلیل آن این که مهدیین یا بصورت قرینه و یا فراین قطعی که بر وجود آن‌ها به عنوان خلفای امام مهدی (ع) ذکر شده‌اند، که بعضی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم

روایت بعدی:

امام صادق (ع) می‌فرماید { إن منّا بعد القائم (ع) إثنًا عشر مهدياً من ولد الحسين (ع) } (برای ما بعد از قائم دوازده مهدی از فرزندان امام حسین (ع) خواهد آمد)^{۱۰۷}

روایت بعدی:

¹⁰⁷ مختصر بصائر الدرجات ص 49

امام سجاد می گوید : { يقوم القائم من اثم يكون بعده اثنا عشر مهدياً } (قائم ع) ما قیام می کند وبعد از ایشان دوازده مهدی خواهند بود.^{۱۰۸}

روایت بعدی:

ابی بصیر می گوید : { قلت للصادق جعفر بن محمد (ع): يا ابن رسول إني سمعت من أبيك (ع) انه قال: يكون بعد القائم اثنا عشر إماماً. فقال إنما قال: اثنا عشر مهدياً ولم يقل اثنا عشر إماماً ولكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس إلى مولاتنا ومعرفة حقنا } (به امام جعفر صادق (ع) گفتم : ای فرزند رسول الله (ص) من از پدر شما شنیدم که می فرماید : بعد از قائم (ع) دوازده امام خواهد بود . فرمودند : نه ایشان فرمودند : دوازده مهدی ودوازده اما نگفتند، که آنها گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به سوی ولایت و معرفی خق دعوت می کنند).^{۱۰۹}

روایت بعدی:

ابی جعفر وابی عبد الله در ذکر کوفه می فرماید : {...فيها مسجد سهيل الذي لم يبعث الله نبياً إلا وصلى فيه ومنها يظهر عدل الله وفيها يكون قائمه والقوام من بعده وهي منازل النبيين والأوصياء والصالحين } (در آن مسجد سهله است که خداوند پیامبرنفرستاد مگر این که در آن جا نماز خواندواز آن جا ست که عدل الهی ظهور می کند و در آن جا قایمین واقوام بعد از ایشان خواهد بود و آن منزل گاه پیامبران واوصیاء وصالحین است)^{۱۱۰}

روایت بعدی:

امام صادق (ع) در یکی از دعا های معروف می فرماید : { اللهم كن لوليک القائم بأمرک محمد بن الحسن المهدي عليه وعلى آباءه أفضل الصلاة والسلام في هذه الساعة وفي كل ساعة ولياً وحافظاً وقائداً وناصرأ ومؤيداً حتى تسكنه أرضك طوعاً وتمتعه فيها طولاً وعرضاً وتجعله وذريته من الأئمة الوارثين }

و آن چه در دعای مشهور ومعتبری که از امام مهدی (ع) در کیفیت صلوات فرستادند بر محمد وخاندان محمد تا این به خود برسد می فرماید : { ... اللهم أعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع أهل الدنيا ما تقر به عينه وتسره به نفسه ... إلى قوله (ع): وصل على وليک وولادة عهده والأئمة من ولده ومدّ في أعمارهم وزد في آجالهم وبلغهم أقصى آمالهم دنيا وآخرة ...) } (... خداوندا در نفسش وفرزندانش وشيعیان او ورعیّت وخاص وعام وی ودشمنانش وتمام اهل جهان را عطاء کن آن چه که مایه خوشحالی ومسرت وی باشد ...

¹⁰⁸ شرح الأخبار 3 / 400

¹⁰⁹ کمال الدین 358/2

¹¹⁰ وسائل الشيعة الإسلامية: 524

تا این که فرمودند : ویر ولی و امیران عهدش وائمه از فرزندش درود بفرست و عمر آن ها واجلشان را طولانی گرداند و آن ها به آرزوهایشان در دنیا و آخرت برسان)^{۱۱۱}

و آن چه در دعای امام رضا (ع) برای امام مهدی در عصر غیبت آمده امام می فرماید : { اللهم أعطه فی نفسه وأهله وولده وذریته وأمه وجميع رعیتہ ما تقر به عینه وتسره به نفسه وتجمع له ملك المملكات كلها... إلى ان يقول : اللهم صل على ولاة عهده والأئمة من بعده وبلغهم آمالهم وزد فی آجالهم وأعز نصرهم ... } (خدایا به خود او و خاندانش و فرزندانش و نسلش و ملتش و تمام رعیتش آن چه را روشن گردد به وسیله آن چشمش و شادمان گردد عطا کن به وسیله او جانمش و برای او جمع ممالک جهان جمع گردد... تا این که فرمودند : خداوند بر ولات عهدش وائمه بهد ایشان درود بفرست و به آرزوهایشان برسان و عمر آن را طولانی و پیروزی آن ها عزت بده)^{۱۱۲}

حبه عربی می گوید : { خرج أمير المؤمنين (ع) إلى الحيرة فقال : لتصلن هذه بهذه وأومی بیده إلى الكوفة والحيرة حتى يباع الذراع فيما بينهما بدنائير وليبين بالحيرة مسجداً له خمسمائة باب يصلی فيه خليفه القائم عجل الله فرجه لأن مسجد الكوفة ليضيق عنهم وليصلين فيه اثنا عشر إماماً عدلاً... الحديث } (امیر المومنین به سمت حیره خارج گردید و فرمودند : این به این خواهد رسید و با دستش به کوفه و حیره اشاره نمود ؛ و ذراعی در بین این دو با دنیار خرید و فروش می شود، و در حیره مسجدی که پانصد در خواهد بود خواهم ساخت که در آن خلیفه حضرت قائم (ع) نماز خواهد خواند ، زیرا که مسجد کوفه بر آن ها تنگ می شود و در آن جا دوازده امام عادل نماز خواهند خواند...)^{۱۱۳}

در دعای وارده از امام حسن عسکری (ع) به مناسبت ولادت امام حسین که در آن می فرماید { ... وسید الأسرة (الحسين) الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض من قتله ان الأئمة من نسله والشفاء فی تربته والفوز معه فی أوبته والأوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبتهم حتی یدرکوا الأوتار ویتأروا الثار ویکونوا خیر أنصار } (وسید خانواده هایی که با پیروزی در روزی حمله مجدد (رجعت) کمک داده شده از برای کشته شدن او با امامان از فرزندان او عوض داده شده و بهبودی از مرض در خاک قبر اوست و رستگاری با اوست در بازگشت مجدد او و جانشینان از اولاد او پس از قیام کننده آنان و غیبت او تا این که در یابند انتقام ها را وریزند خون را و خوشنود کننده خداوند جبار و باشند و از بهترین انصار خواهند بود)

و از علی بن بابویه دعایی از امام رضا (ع) روایت شده که در آن ذکر مهدیین شده است امام در آن دعا می فرماید : { ... إلى ان قال : اللهم صل عليه وعلى آله من آل طه ویس وخصص ولیک ووصی نبیک وأخا رسولک ووزیرہ وولی عهده إمام المتقين وخاتم الوصيين لخاتم النبیین محمد (ع) وابنته البتول وعلى سیدی شباب أهل الجنة

¹¹¹ . غیبت طوسی ص 186 / جمال الأسبوع ص 301

¹¹² مفاتیح الجنان ص 618 جمال الأسبوع لأبن طاووس ص 309 ، مصباح متعهد طوسی ص 409

¹¹³ تهذیب 253/3، معجم أحادیث امام مهدی 112/ 3

من الأولين والآخرين وعلى الأئمة الراشدين المهديين السالفين الماضيين وعلى النقباء الأتقياء البررة الأئمة الفاضلين الباقين وعلى بقيتك في أرضك القائم بالحق في اليوم الموعود وعلى الفاضلين المهديين الأئمة الخزنه ... { تا این که فرمود : خداوندا بر او و خاندانش از آل طه و یاسین درود بفرست به خصوص بر ولی شما و وصی پیامبرت و برادر رسولت و وزیر ولی عهدش و امام متقین و آخرین وصیین برای آخرین پیامبر خدا حضرت محمد (ص) و دخترش زهرا بتول (س) و بر آقایان و جوانان بهشت از اولین و آخرین و بر ائمه راشدین و مهدیین که بر راه گذشتگان قدم می گذارند و بر برگزیدگان متقی و ممتاز ائمه فاضلین و باقی ماندگان و بر قائم بر حق بقیت خدا بر زمین در روز موعود و بر فاضلین و مهدیین و امانت داران خزائن خدا درود بفرست .¹¹⁴

امام رضا (ع) از پدراناش از امیر المومنین (ع) در حدیث طولانی با رسول خدا که در آخرش آمده که خدای متعال به رسولش در مورد امام مهدی و مدت حکومتش می فرماید : { ... ولأنصرنه بجندي ولأمدته بملائكتي حتى با را او (یعلن دعوتی و یجمع الخلق علی توحیدی ثم لأدیمن ملکه ولأداولن الأيام بین أولیائی إلی یوم القیامة) تادعوتهم را ابلاغ کند و تمام مردم را بر توحیدم اجتماع اینک رسای دتا خواهم یاری خود ملائکه و با سربازایم دهد سپس بعد از آن ملکش را طولانی خواهم نمود و روز های آن را میان اولیایم تا روز قیامت تدام خواهم داد¹¹⁵

و تا اینجا بسنده میکنم و امر را رها میکنم تاملی کنید، و آیا این همه روایات لیاقت ندارند که شاهی بر درست بودن ذکر مهدیین در وصیت رسول الله (ص) داشته باشند؟؟؟

تعارض درونی

از دیگر مشکلاتی که طرف داران احمد حسن به آن مبتلا هستند، تعارض درونی مستندات است؛ به این معنا که برخی از دلایل آنان با برخی دیگر در تعارض است و مستندات آنها یکدیگر را نفی میکنند.

آقای آیتی در این نکته میخواهند نفی امامت مهدیین را بکنند ولی متاسف ام

در روایت وصیت ذکر شده که دوازده امام و دوازده مهدی و این نفی امامت مهدیین را نمیکند بلکه نفی رجعتی که شما در ذهن ساخته اید را میکند چرا که اینها دوازده مهدی هستند و از دوازده امام قبلی جدا میباشند ولی

¹¹⁴ فقه رضا ص 403

¹¹⁵ عیون اخبار رضا ج 1 137-138

مهديين چون در وصيت رسول الله (ص) ذكر شده اند بايد حجت هاي الهی باشند و حجت هاي الهی با قانون معرفت حجت شناخته ميشود و هر کسی که با قانون معرفت حجت ادعا کند مقام عصمت دارد و دارای مقام امامت ميباشد ولی نه به معنای امامان گذشته

اما بعد: اگر قصد شما روايت يا رواياتی است که می گوید (همانا بعد از ما بعد از قائم دوازده مهدي خواهد بود) تعارض به دعوت سيد احمد الحسن (ع) ندارد چرا که ما قائل به انتقال امامت از امام مهدي (ع) به فرزندش مهدي اول از فرزندانش نيستيم، بلکه می گوييم سيد احمد الحسن مهدي اول و وصی امام مهدي (ع) است. و وجود وصی در زمان حیات وصیت کننده از سنت های الهی است پس هيچ پیامبر و امامی نيست مگر اینکه وصی او در زمان حیاتش موجود باشد و از دنیا نمی رود تا وقتی که قبل از وفاتش به وصی خود وصیت نماید. و در خصوص وصی امام مهدي (ع) که نام ایشان احمد است. بايد قبل از قيام امام مهدي (ع) موجود باشد. چرا که حضرت رسول اعظم (ص) در وصیت مبارك خود در شب وفات از ایشان یاد فرموده و اینکه نام او احمد است و اولین مؤمنين است. و ممکن نيست که اولین مومنين براو صدق کند مگر اینکه قبل از قيام امام مهدي (ع) موجود باشد. پس همانطور که می دانيد اولین مؤمنين از صفات امير المؤمنين (ع) است. یعنی اولین مؤمن به رسالت رسول الله محمد (ص). و اگر ایشان (ع) قبل از بعثت رسول الله (ص) به دنیا نیامده بود صفت اولین مومنان بر او صدق نمی کرد. بنابر این هر چه در آنجا جاری است در اینجا نیز جاریست

و روايات دیگری از وجود دارد که بر وجود وصی امام مهدي (ع) قبل از قيام مقدسشان دلالت می کند. که الآن مجال توضیح و بررسی آنها نمی باشد. و بنده يقين دارم که اگر شما کتب انصار امام مهدي (ع) را با تدبر مطالعه چنين اشکالی را مطرح نمی کردید، و به شما توصیه می کنم اين کتبها را با دقت مطالعه نمائيد: (وصیت و وصی)، (يمانی حجت خداوند) و (گزيده ای از دعوت سيد احمد الحسن) همچنين کتابهای ديگر نیز هست که در آنها توضیح کامل و جامعی در مورد اين اشکال و ده ها اشکال ديگر وجود دارد. حل در اینجا روايت وصیت رسول الله (ص) در شب وفاتشان را برای شما ذکر ميکنم و امیدوارم که با تدبر و بدور از حواشی و با انصاف آن را مطالعه نمائيد: (عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عن أبيه الباقر عن أبيه ذي الثنات سيد العابدين عن أبيه الحسين الزكي الشهيد عن أبيه أمير المؤمنين عليهم السلام قال : قال رسول الله (ص) في الليلة التي كانت فيها : وفاته لعلی (ع) يا أبا الحسن أحضر صحيفة ودواة فأملا رسول الله (ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع فقال يا علی إنه سيكون بعدی اثنا عشر إماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً أنت يا علی أول الأئني عشر إمام سماك الله تعالى في سمائه علياً المرتضى وأمير المؤمنين والصدیق الأكبر والفاروق الأعظم والمأمون والمهدي فلا تصح هذه الأسماء لأحد غيرك يا علی أنت وصيی علی أهل بيتي حييهم وميتهم وعلی نسائي فمن ثبتها لقيتني غداً ومن طلقتهأنا برئ منها لم ترني ولم أرها في عرصة القيامة وأنت خليفتي علی امتي من بعدی فإذا حضرتك الوفاة فسلمها إلى ابني الحسن البر الوصول فإذا حضرته الوفاة

فلیسّلمها إلى إبنی الحسن الشہید الزکی المقتول فإذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه سید العابدین ذی الثغفات علی فإذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه محمد الباقر فإذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه جعفر الصادق إذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه موسی الکاظم فإذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه علی الرضا فإذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه محمد الثقفۃ التقی فإذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه علی الناصح فإذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه الحسن الفاضل فإذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه محمد المستحفظ من آل محمد فذلک اثنا عشر إماماً ثم یكون من بعده اثنا عشر مہدیاً فإذا حضرته الوفاة فلیسّلمها إلى ابنه أول المقربین (المہدیین) له (ثلاثة أسامی أسم کاسمی وأسم أبی وهو عبد الله وأحمد والاسم الثالث المہدی وهو أول المؤمنین ازابی عبدالله (ع) از پدرش امام باقر (ع) از پدرش امام زین العابدین (ع) از پدرش امام حسین (ع) از پدرش امیر المومنین (ع) که فرمود : رسول خدا (ص) در شبی که وفاتش در آن واقع شد ، به علی (ع) فرمود : ای ابا الحسن یا علی ! :، کاغذ و دواتی بیاور و رسول الله (ص) وصیت خود را املاء فرمود تا این که بدین جا رسید که فرمود پس تو یا علی اولین دوازده امام هستی . بعد از من دوازده امام می باشند و بعد از آنها دوازده مہدی هستند و خدای تبارک و تعالی در آسمان خودتورا علی مرتضی و امیرالمؤمنان و صدیق اکبر و فاروق اعظم و مأمون و مہدی نامیده است ، و این اسماء شایسته احدی غیر تونسیت . ای علی تو وصی من براهل بیتم زنده و مردۀ آنها و همسرانم خواهی بود پس هر کدام از آنها را برهمسری من ثابت کردی در قیامت به دیدار من خواهد آمد و هر کدام را طلاق دادی من از او براءت جسته و در عرضه قیامت به دیدار من نائل نخواهد شد . و تو پس از من خلیفه و جانشین من بر امتم هستی ، هر گاه وفاتت رسید ، خلافت را به پسر من حسن بر وصول واگذار کن ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسر من حسین شہید زکی مقتول واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش علی ذی الثغفات واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش محمد باقر واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش جعفر صادق واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش موسی کاظم واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش علی رضا واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش محمد ثقفۃ تقی واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش علی ناصح واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش حسن فاضل واگذار کند ، هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش محمد مستحفظ از آل محمد (ص) واگذار کند ، پس هر گاه وفاتش رسید آن را به پسرش مہدی . آنها دوازده امام هستند . سپس بعد از او دوازده مہدی می باشند اول واگذار کند ، برای او سه اسم است . یک اسمش مانند اسم من ، و اسم دیگرش اسم پدر من است ، و آنها و در آخر از خدای منان برای شہادت (عبد الله و احمد هستند ، و نام سوم مہدی است . و او اولین مومنان است و پشتیبانی طلب نموده و از آتش و غضب خداوند به خود او پناه می برم و تثبیت مابری محمد و آل محمد را از خدای تبارک و تعالی مسئلت دارم که همانا او شنوا و اجابت کننده است و الحمد لله رب العالمین ، و صلی الله علی محمد و آلہ الاثمه و المہدیین و لعنت دائم و ہمیشگی خداوند بر دشمنان آنان باد .

مفضل بن عمر گوید : شنیدم امام صادق (ع) می فرمود : برای صاحب این امر دو غیبت است . یکی از آنها طولانی شود تا بعضی از آنها بگویند مرده است و بعضی دیگر بگویند کشته شده است و بعضی دیگر بگویند رفته است . تا این که بر امرش ، جز عده ی اندکی از اصحابش باقی نمانند . از موضع و مکان ایشان اطلاعی ندارد ، چه از فرزندان و چه دیگران ، مگر آن مولی که امر او را بر عهده می گیرد.^{۱۱۶}

از حضرت علی بن ابی طالب که می فرماید : (رسول خدا (ص) فرمودند: من دو چیز گرانبها در میان شما به جا می گذارم ، کتاب خدا و عترت اهل بیتم ، و این دو از هم جدا نمی شوند تا اینکه کنارحوض بر من وارد شوند مثل این دو - و دو انگشت سبابه را نشان داد - و جابر بن عبدالله انصاری ایستادند و گفتند : ای رسول خدا عترت شما چه کسانی هستند ؟ فرمودند : علی و حسن و حسین و ائمه از فرزندان حسین تا روز قیامت) .^{۱۱۷} -

از ابی عبدالله جعفر بن محمد از پدرش محمد باقر از پدرش سرور عبادت کنندگان از پدرش حسین زکی و شهید از امیر المومنین (ع) فرمودند : رسول خدا (ص) - در شبی که وفاتشان بود - به علی فرمودند : (یا ابا حسن برای من دوات و کاغذی فراهم کن . و رسول خدا (ص) وصیت خود را املاء نمودند تا اینکه به این جا رسید و فرمودند : ای علی بعد از من دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهند بود ، و شما ای علی اولین دوازده امام خواهی بود (تا فرمودند) : و هرگاه وقت مرگش فرا رسد به فرزندش حسن فاضل امر امامت را تسلیم کند، و هرگاه وقت مرگش فرا رسد به فرزندش محمد نگهداشته شده از آل محمد (ع) امر امامت را تسلیم کند، و اینها دوازده امام و بعد از آنها دوازده مهدی خواهند بود ، و هرگاه وقت مرگش فرا رسد به فرزندش اولین نزدیکان تسلیم کند که سه نان دارد ، نامی مانند من و نام پدرم و آن عبدالله و احمد ، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است) .

و از این وصیت مقدس می فهمیم که اوصیای رسول خدا (ص) دوازده امام و دوازده مهدی از فرزندان امام مهدی (عج) می باشد و اولین وصی از اوصیای امام مهدی نامش (احمد) و از اولین ایمان آورندگان به قیام امام مهدی در عصر ظهور مقدس است ، انشاء الله خواننده عزیز شعار پرچمهای خراسانی که (احمد احمد) بود فراموش نکرده است ، و قبلا بیان شده که ارتباطی با نام احمد فرزند امام مهدی دارند و فراموش نشود پرچمی که مامور به اتباع و پیروی از آن هستیم تنها یک پرچم است و غیر از آن پرچمی نیست که ملزم به اطاعت از آن باشیم ، پس حتما همان پرچم احمد یمانی مشرقی حسینی و مهدوی و وصی امام مهدی که از اولین انصار و مصدقین قیام امام در عصر ظهور مقدس است.

¹¹⁶ الغیبة الطوسی ص 161

غیبة شیخ طوسی ص 150

معانی الاخبار ص 91 باب معنی الثقلین ح 5¹¹⁷

و همانطور که سخن به مسئله فرزند امام مهدی و وصی ایشان کشیده شد ، پس لازم است بر آن بیشتر تمرکز کنیم ، و به ذکر بعضی از روایات قضیه بهتر روشن شود :

روی عن الامام ارضا الدعاء لصاحب الامر بهذا الدعاء ، واليكم ملخصه : (اللهم ادفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك ، ولسانك المعبر عنك باذنك (الى قوله -ع-) : اللهم اعطه في نفسه واهله وولده وذريته وامته وجميع رعيته ما تقر به عينه وتسر به نفسه (الى قوله -ع-) : اللهم صل على ولاء عهده والائمه من بعده ، وبلغهم آمالهم وزد في آجالهم واعز نصرهم وتمم لهم ما سئلت اليهم في امرك لهم وثبت دعائمهم ، واجعلنا لهم اعوانا وعلى دينك انصارا ، فانهم معادن كلماتك واركان توحيدك ودعائم دينك وولاه امرك ، وخالصتك من عبادك وصفوتك من خلقك ، واوليائك وسلائل اوليائك وصفوه اولاد رسلك ، والسلام عليهم ورحمه الله وبركاته)

برای صاحب الامر از امام رضا دعایی روایت شده که خلاصه آن : (خداوندا دفع و دور کن از ولی و خلیفه خود ، و حجت تو بر آفریدگانت و زبانت که از تو وبا اجازه تو می گوید (تا فرموده اش -ع-) : پروردگارا تو به آن حضرت (امام مهدی - ع -) واهل بیتش و فرزندانش و نسلش و امتش و تمام رعیتش عطایی مرحمت فرما که به آن عطا دیده اش روشن و روانش شاد و مسرور شود (تا فرموده اش - ع -) : پروردگارا درود و رحمت فرست بر والیان عهد او (امام مهدی) و پیشوایان بعد از او و آن بزرگواران را به آمل و آرزوهای بلندشان نایل ساز و بر عمرشان بیفزا و نصرت با عزت به آنها عطا فرما و آنچه با آن پیشوایان الهی از امر دین خود مربوط با آنان فرمودی در حقشان به حد کمال برسان و اساس و ارکان آنها را ثبات و دوام بخش و ما را از یاران آنها و از انصار دین خود قرار ده که البته آن بزرگواران معدن کلمات روحانی و گنجینه علم و ارکان توحید و معرفت و ستون های دین تو و صاحب اختیاران امر شرع تو هستند و از بندگان خاص و خالص تو و برگزیده از خلق تو و دوستان خاص و فرزندان محبان خاص و برگزیده اولاد پیغمبر تو هستند و درود و تحیت و رحمت خدا بر او و پدران برگواراش باد) .

در این دعا یک فرزند از ذریه امام مهدی مخصوصا یاد شده است که این بیانگر وجود یک خصوصیت خاص برای این فرزند طاهر است .

وهذا الدعاء للذریه مشابه للدعاء الاتی المروی عن اللامام المهدی و اذکره باختصار ایضا:

(بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على محمد سيد المرسلين وخاتم النبيين ووجه رب العالمين المنتجب في الميثاق المصطفى في الظلال المطهر من كل آفة البرئ من كل عيب المومل للنجاه المرتجى للشفاعة المفوض اليه دين الله ... (الى قوله -ع-) : اللهم اعطه في نفسه وذريته وشيعته ورعيته وخاصته وعامته وعدوه وجميع اهل الدنيا ما تقر به عينه وتسر به نفسه وبلغه افضل ما امله في الدنيا والآخرة انك على كل شيء قدير ... (الى قوله

ع-): وصل علی ولیک وولاه عهدک والائمه من ولده ومد فی اعمارهم وزد فی آجالهم وبلغهم اقصى آمالهم دینا ودنیا و آخره انک علی کل شیء قدیر) .

و این دعا بای ذریه مشابه دعای آتی که از امام مهدی روایت شده و آن را به اختصار ذکر می کنم : (بنام خداوند بخشنده بخشایش گر خداوندا بر محمد (ص) سرور فرستادگان و آخرین پیامبران و حجت پروردگار جهانیان و برگزیده در میثاق و اختیار شده در سایه پاکى از تمام مخلوقات و بدور از هر عیبی و آرزوی همه برای نجات و شفاعت کننده و داده شده دین خدا درود فرست (تا فرموده ایشان (ع)) : خداوندا به او (امام مهدی - ع -) در خودش و نسلش و شیعیانش و رعیتش خاص و عام و دشمنانش و تمام اهل دنیا آنچه چشمش را به آن روشن کنی و روحش را شاد می کنی عطا فرما تا فرموده ایشان (ع) : و درود فرست بر ولی خود (امام مهدی - ع -) و والیان عهدت و امامان از فرزندانش و عمر آنها را طولانی کن و در سر آمدهای آنها فزونی کن و به دورترین آرزوهای آنها برسان در دین و دنیا و آخرت که تو بر همه چیز توانایی) .

از آنچه گفته شد روشن می شود که اوصیاء از نسل امام مهدی مهدیون وائمه یا حجج الهی بر مردم بعد از پدرشان امام مهدی هستند و برای احاطه بیشتر بر این موضوع شما به خواندن کتاب (الوصیه والوصی) که یکی از اصدارات انصار امام مهدی می باشد ، سفارش می کنم .

واگردانستیم که مهدی اول از نسل امام مهدی (احمد) ، به (مهدی) وصف می شود ، پس به روایت دیگر که قضیه را بهتر روشن می کند گوش فرا می دهیم (یخرج رجل قبل المهدی من اهل بیده بالمشرق) (مردی قبل از مهدی از اهل بیتش از سمت مشرق خروج می کند)

از حذلم بن بشیر است که گفت : به علی بن حسین گفتم : (صف لی خروج المهدی وعرفنی دلائله وعلاماته ؟ . فقال :) ثم یخرج السفیانی الملعون من الوادی الیابس وهو من ولد عتبه بن ابی سفیان ، فذا ظهر السفیانی اختفی المهدی ثم یخرج بعد ذلک)) .

از حذلم بن بشیر است که گفت : به علی بن حسین گفتم : (کیفیت خروج وعلامات ووسایل شناخت مهدی را برام وصف کن ؟ فرمودند :) سپس سفیانی ملعون از فرزندان عتبه بن ابی سفیان از وادی یابس _ بیابان خشک - خروج می کند ، وهر وقت سفیانی ظهور کرد مهدی مخفی می شود و سپس بعد از آن خروج می کند)

وروایت دلالت روشنی دارد براینکه حضرت مهدی قبل از خروج سفیانی از وادی یابس موجود و ظهور کرده است، با اینکه روایات متواتر بیان می کنند که سفیانی یکی از علایم قبل از قیام امام مهدی است وایشان به مدت چند ماه قبل از امام خروج می کند ، پس این مهدی که قبل از سفیانی ظاهر شده کیست ؟

و شك ندارم كه جواب ديگر سخت شده باشد بعد از اينكه فهميديم كه ، آنجا يك زمينه ساز از نسل امام مهدي وايشان از اهل بيت مي باشد، و نيز به (مهدي) وصف شده و بحث مفصل در موضوع تعدد مهديين و قائمان در قسمت هاي آينده خواهد آمد .

و مطالبی كه بر آن تأكيد مي كنند روايات زير مي باشد:

ابي الحسن مي فرمايد : (كاني براي من مصر مقبلات خضر مصبغات ، حتى تاتي الشامات فتهدى الي ابن صاحب الوصيات) .

و روايت بعدي ابي الحسن مي فرمايد : (همانا مي بينم پرچمهاي سبز رنگي كه از مصر حركت کرده بطرف شام عزيمت نموده و به فرزند صاحب وصيت ها اهدا ميشود) .



نويسنده : خادمكم الله مع نا